

شیطان بزرگ - امریکا در برابر ماست متحد باشیم!



دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۸۷
شماره ۱۵ آذر ۱۳۵۹ ، مطابق با
۲۷ محرم ۱۴۰۱ هجری ، ۱۵ روال

در امروز گذشته در تمام جنبه‌ها:

رزمندگان انقلاب بابر تری قدرت آتش، تلفات سنگینی به متجاوزان وارد کردند

نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران با چهارماداناز متجاوزان رژیم صدام در تمام جنبه‌ها با پشت تمام ادامه دارد و رزمندگان انقلاب توانسته‌اند خسارت مہلکی بر متجاوزان وارد آورند.

سند مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۳۲۷ خود عملیات رزمی روزهای ۱۲ و ۱۳ آذر را بدین شرح اعلام کرد:

۱- تلفات عملیات ۱۳ آذرماه: ۱- تلفات ۱۰ صبح دیروز (۱۰ صبح) تونخانه دوربرد نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران تاسیسات اقتصادی و حیاتی فلز زیر آتش قرار داده و ۲- خسارتی به آنها وارد کرد. ۲- در ساعت ۱۰:۳۵ روز گذشته (پنجشنبه) نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران با خمپاره‌انداز متجاوزان در منطقه آبادان درم کویید که براتی آن یک جلد مہمات دشمن متخبر و ۲ سنگرمزدوران عراقی منهد شد ۳- ساعت ۱۱ با بمباران دیروز (پنجشنبه) نیروهای دشمن در منطقه الدوید و حوالی آن یسندت زیر آتش تونخانه ارتش جمهوری اسلامی واقع و سمنای به آنها وارد شد ۴- تونخانه رزمندگان اسلام مستقر در خوین شهر مواضع نیروهای دشمن در ام‌الرسال را گولود باران کرد که در نتیجه قسمتی از کارد مرزی عراق ناپایزہ عقب نشینی شد.

ب: عملیات ۱۲ آذرماه: ۱- در منطقه آبادان رزمندگان هواپایز نیروی زمینی، هواپروژه

بحران پولی (کمبود اسکناس) عمدی است باید با عوامل ایجاد کننده آن قاطعانه مبارزه کرد

در پایان جلسه هیئت دولت (۱۰/۹/۵۹) آقای مصدق‌میرجانی نخست‌وزیر در یک مصاحبه رادیویی مشکلات ناشی از بحران نقدینگی یا کمبود اسکناس را بحران نقدینگی، که به کمبود اسکناس در جریان، در شعب بانکها، در معاملات و در دست مردم انجامیده، بحرانی ناشی از گرفتاریهای فنی در امر چاپ و توزیع موقع اسکناس‌های جدید است.

نخست‌وزیر یادآور شد که با بحران تکذبات اسکناس‌های موجود در بازار، خودداری کتبه از بازگشتان نقدینگی به بانکها، پدیدایش تمایل به حفظ اسکناس و پول نقد در نزد مردم و همچنین این امر که چاپ و انتشار اسکناس‌های جدیدی در صورت تکرر و پیش‌بینی‌های لازم در این کار پست نیامده و نیز مواردی ناشی از جنگ، که مانع از نقل و انتقال طبیعی نقدینگی از یک شهر به شهر دیگر گردیده است.

نخست‌وزیر از مردم خواست که پولهای خود را به بانکها سپارند و تا به بهترین وجه از نقدینگی آنها محافظت بعمل آید و هم گرفتاری پول در کشور وضع‌های خود را بازایند.

نخست‌وزیر همچنین از مردم خواست که در دست‌نویس‌های اینان حساب باز کنند و از این راه نیز به گشایش در امر گردش اسکناس و پول و بر رفع بحران کمک‌شود. اظهارات نخست‌وزیر در مصاحبه

همه اینها موجبات بحران کثرتی را صورت کمبود نقدینگی و اسکناس در جریان فراهم آورده است.

آقای نخست‌وزیر در مصاحبه خود ضمن دادن این وعده که حداقل تا یکماه دیگر مقدار لازم اسکناس وارد و بحران خواهد افتاد و همچنین از امکانات موجود داخلی نیز برای افزایش اسکناس در جریان استفاده بعمل خواهد آمد از مردم تقاضا کرد که پولهای اضافی را نزد خود نگاه ندارند.

نخست‌وزیر از مردم خواست که پولهای خود را به بانکها سپارند و تا به بهترین وجه از نقدینگی آنها محافظت بعمل آید و هم گرفتاری پول در کشور وضع‌های خود را بازایند.

نخست‌وزیر همچنین از مردم خواست که در دست‌نویس‌های اینان حساب باز کنند و از این راه نیز به گشایش در امر گردش اسکناس و پول و بر رفع بحران کمک‌شود. اظهارات نخست‌وزیر در مصاحبه

ضرورت تحول انقلابی در آموزش و پرورش

را با روح انقلاب تمام‌عیاریش و خلقی خود همتگ سازیم. ما می‌توانستیم چاپ کتابهای جدید را با جوق آغاز کنیم تا چنین پیش نیاید که چند ماه پس از شروع سال تحصیلی، هنوز برخی کتابها در دسترس دانش‌آموزان نباشند. ما میتوانستیم از نیروی جوانان مومن به انقلاب و داوطلبان آموزش و پرورش و در اولیای مملی و دبیرانی که باور به انقلاب دارند چنان استفاده کنیم که امروز برخی کلاسها و رشته‌ها فاقد معلم نباشند.

درست بدلیل این پیوند وسیع با کل جامعه است که هر کدام متبذ وزارت آموزش و پرورش، اقرات نیکو در سراسر جامعه باقی میگردد و هر اقدام منفی آن زبانها بیار می‌آورد و به ضد انقلاب برای تحریک و تقنین پناه میدهد. از اینجاست که سیاست متخلف از سوی این وزارتخانه در برابر مسائل گوناگون آموزشی باید چنان دقیق و صحیح انتخاب شود که هم تماشاچیان طاغوتی گذشته را زیر و بر کند و تحول کیفی در آموزش و پرورش پدید آورد و هم ضدانقلاب را خلع سلاح کند، امری که در گذشته متأسفانه توجه کافی به آن نشده است.

آن تئمه است. آقای دکتر باقر در سخنرانی و در مصاحبه خود، مطالب درستی در مورد گسترش مدارس در روستاها و ایجاد امکانات وسیع برای نوآموزان و دانش‌آموزان سراسر کشور، ایجاد تعاون در استفاده از فضای آموزشی و از میان برداشتن تفاوت‌های جسمی که در این زمینه، میان مدارس شمال و جنوبی وجود دارد، پاکسازی کتابهای درسی از آثار طاغوتی، غنی‌ساختن محتوای آموزشی، گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای، توام ساختن آموزش تشنای یا کار عملی بیان دانست، که همه و همه مسائلی است، همی.

آن تئمه است. آقای دکتر باقر در سخنرانی و در مصاحبه خود، مطالب درستی در مورد گسترش مدارس در روستاها و ایجاد امکانات وسیع برای نوآموزان و دانش‌آموزان سراسر کشور، ایجاد تعاون در استفاده از فضای آموزشی و از میان برداشتن تفاوت‌های جسمی که در این زمینه، میان مدارس شمال و جنوبی وجود دارد، پاکسازی کتابهای درسی از آثار طاغوتی، غنی‌ساختن محتوای آموزشی، گسترش مدارس فنی و حرفه‌ای، توام ساختن آموزش تشنای یا کار عملی بیان دانست، که همه و همه مسائلی است، همی.

و صیت رفیق شهید محمد رضا آذرین: اگر شهید شدم، نامم را مثل رفیق عسکر در صفحه اول نامه مردم بنویسید

رفیق قربان، تودهای شهید محمد رضا آذرین، چنانکه قبلا اعلام کردیم، روز ۲۶ مردماه ۵۹ در سنگر نبرد با شیطان بزرگ آمریکا و شیطان کوچک صدام به شهادت رسید و به قافله خوین شهدای توده‌ای پیوست.

توجه خوانندگان را به زندگینامه رفیق شهید، که متأسفانه به علت ارتباط دشوار با مناطق در حال جنگ، اکنون بدست ما رسیده است، جلب می‌کنیم:

رفیق شهید محمد رضا آذرین در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۱ در محله کاروان آبادان، که یکی از محلات زحمتکشان آبادان است، چشم بر دنیا باز آریاچهری گشود. رفیق به دبیرستان که رفت، به مطالعه و موسیقی روی آورد. رفیق آذرین عاشق آثار چایکوفسکی، بتهوون و شوستاکوویچ بود.

درباره آنها می‌گفت:

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

باید با عوامل ایجاد کننده آن قاطعانه مبارزه کرد

شیطان یوزگ...

پس از منته ۱
سریندی، همه توطئه‌های امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی پرورده آن را نقش بر آب ساخته و چندین صحنه تاریخی را با پیروزی بی‌پایان رسانده است. سزگترین و برنده‌ترین سلاح مردم انقلابی کشور ما در این نبردهای نابرابر علیه دشمنان داخلی و خارجی، اول - ایمان راسخ و خلل‌ناپذیر به‌حقانیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دوم - اتحاد بدون تزلزل مردم ایران این ایمان انقلابی رئیس رهبری امام خمینی بوده است.

دشمنان خارجی و داخلی، یعنی امپریالیسم سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی پرورده آن، با این دو سلاح برنده - رب و خوف کامل دارند و لذا تمام کوشش خود را توجیه این هدف موزیانه و حیله‌گرانه کرده‌اند که: اولاً ایمان به حقانیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در مردم متزلزل کنند و ثانیاً با استفاده از این تزلزل، اتحاد مردم را متلاشی، صفوف متحد مردم را متفرق و برادر شکر انقلاب را به‌هم‌ریختن و انهدام بکشند.

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی متوسلین آن، برای نیل باین هدف از وسایل گوناگونی استفاده میکنند: اولاً میکوشند مدمت‌ترین مسئله، یعنی واقعیت انقلاب را که یک تحول کیفی تاریخی در کشور ما ایجاد کرده و ضرورت دفاع از این انقلاب را، به‌درجه دوم اهمیت برنده ولی مسائل غیرصمیمی زندگی جامعه را مسائل مهم تبدیل سازند و از این مسائل مردمی، که اصلاً به‌امپریالیسم و ضدانقلاب مربوط نیست، بسود خود بهره‌گیری کنند.

ثلاً پلان شمار حق، از آن خلق است، ولی خلق مظلوم مسئله صمیمی که حفظ انقلاب و مدام و تمیق آنست، فعلاً این حق خود را آگاهانه سکوت میکنند. اما دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، این شمار حق را از مردم محسوب میکنند و بزور عوامفریبی و هرچیزگری

و جنجال و یشابه صندم‌ترین خواسته‌ها، که اگر برآورده نشود دنیا و ایران خواهد شد (۱)، مطابق با هدف خدختی خود مطرح میکنند تا صدمت‌ترین مسئله این مرحله، که حفظ مدام و تمیق خود انقلاب است، بصورت غیرصمیمی و واقع‌دیده، بصفت عقب برود و از یاد فراموش گردد. یا مثلاً، بار مشکلات گوناگونی بگریز محرومان و زحمتکشان است. ولی درحالیکه خود زحمتکشان و محرومان آگاهانه و بخطر انقلاب و با بزرگواری این بار را تحمل می‌کنند، خروپان، که خود غارت‌کنندگان این مردم محروم، هم به این مشکلات دامن می‌زنند و هم آنرا عمده میکنند!

و یا حزبی مانند حزب توده ایران، که قریب‌بچهل سال است علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه استقلال و آزادی و ترقی ایران و سعادت مردم زحمتکش آن می‌رود و در این راه دهها هزار قربانی داده، مرکز و دفاتر متناحق مورد اشغال غیرقانونی قرار میگیرد (که هنوز هم ادامه دارد) و با وجود این و بخطر حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ضمن اعتراض به این عمل غیرقانونی و غیرعادلانه، از کوچکترین حرکتی که خللی به ارکان نظام انقلابی کشورمان وارد سازد خودداری میکنند. ولی متعاقباً خط ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب، یعنی لیبرالها، با اینکه انواع مقامات و اسکانتار و دراختیار دارند و آزادانه هرکار بنواهند میکنند، باسوءاستفاده از واقعیتاتی که اینجا و آنجا در زمینه تقص نامتیت قضائی و قانونی و «آزادی» وجود دارد در فضای آزادی مرتبه سر می‌دهند و برای درهم‌ریختن وحدت خلق جنجال می‌بازند.

و تکیه غیرصمیمی علیه صدمت‌گرفت دیگر مراد دشمنان انقلاب حاصل است. برای روانی مظلومین هرچیز که می‌توانند در کار حکومت انقلاب مشاهده میشود - ولو در جای خود بحق و واقعی - مستقیماً بر انقلاب، که عمده و اصل است، تاخت و آنرا از قد و منزلت ساقط کرد و ایمان انقلابی توده‌ها را متزلزل ساخت و یک تحریف

معنوی و روحی واقعی در صفوف انقلاب بوجود آورد.
تالیله میکوشند در صفوف نیروهای پشتیبان جمهوری اسلامی ایران و قیلاز همه در میان روحانیت، مبارز و هواداران سوسیالیسم علمی، عقاب، خصومت و حتی تصادم بوجود بیاورند. از سویی برای روحانیت مبارز پرونده «القله ایستوروزی» درست میکنند و هرکار ضدامپریالیستی و انقلابی و مترقی و مردمی آنها را یا برچسب «فرمانه مارکسیستی» مورد هوشیگری و تخطئه قرار میدهند، و از سویی دیگر دفاع صادقانه و جان‌برکف حزب توده ایران را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران «سالیسی» «تیرنگ» «غیر» می‌نامند و برای آن پرونده‌های مختلف با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌سازند.

از سویی یا تحریک و تشویش‌رسانی که تبلیغات وسیله ضدتوده‌های سیه و مساد و ایستلوس سرورس و ساواک‌شاه ملعون برجسته ما یاقی گذاشته، برخی محافل صمیمی، ولی ناآگاه رابه‌گفتارها و کردارهای ناروای ضدتوده‌های تحریک می‌کنند - که ماثویت‌سها و ترقی‌مطلبان بود دیگر در این تحریکات و هرکاریها نقش ویژه‌ای دارند و از سویی دیگر با استفاده از اختلافات شخصی و گروهی و تحریفی در داخل صفوف خود و مسلمانان انقلابی و روحانیت مبارز هم تلاطم و بگوینگو بوجود می‌آورند.

تالیله روحانیت مبارز برهبری امام خمینی را مورد حمله قرار میدهند تا این ستاد رهبری انقلاب را تضعیف کنند و بزرگترین سد سیاسی موجود را از سر راه امپریالیسم و ضدانقلاب بردارند.
در سبیل «امپریالیسم خیری» در جنجال روحیات و اخلاقیات برینویار فاسد بصری موروث رژیم طاغوت، در میان امواج ظلمی که رژیم طاغوت و ساواک مغرور و یکمک ماثویت‌سها و دیگر ضدانقلابیون برپا کرده‌اند در برابر مجتود شیطان، سیه و ساواک و مساد و ایستلوس سرورس و فراماسونری و ترقی، که نیم‌قرن در این کشور اسیر و بلائزه ما پرورده شده و تعلیم یافته و با هزار بهره و تقاب بیجان مردم ساده و

صافدل ره‌نماید، در میان تبلیغات و فعالیت‌های لیبرالها - که جامعه‌ساز کن ضدانقلاب‌اند - در یک‌چنین محلی و با درک این واقعیت که انقلاب ایران است امپریالیسم آمریکا را شکست و آمریکا باین آسانی از گریبان ما دست‌بردار نخواهد شد. انقلابیون ایران باید هشیاری خود را هزار چندان کنند.

باید از روی درک و آگاهی و با چشم باز ایسان به حقانیت انقلاب را از هر کزندی مصون داشت و برپایه این راه از انقلاب، نیروهای صمیمی به انقلاب و با ساز و قیله و سسلک و عقیده‌ای زیر رهبری امام خمینی، چون مردمک دیده حفظ کرد.

تا تودم‌ایا نبوده خودباین ضرورت‌های زمان خود و تاریخ مبین و خلق خود آگاهی کامل داریم و به آنچه بدیگر مبارزان انقلابی توصیه می‌کنند، ما خود عمل کرده‌ایم و می‌کنیم. هیچ‌سوسه‌ای نتوانست و نخواهد توانست درکی را که براساس علم از انقلاب بزرگ ایران دارد، مخدوش سازد و هیچ مسلفه و گریه‌خاکی نخواهد توانست ما را از تشخیص واقعیت‌های مبین خود انقلاب خود و نیروی رهبری‌کننده این انقلاب عاجز و یا منحرف کند.

این تلاش خستگی‌ناپذیر، در راه اتحاد نیروهای انقلابی و خلقی، در راه وحدت خلقی از آنجاست که ما شاهد فواجع بزرگی در تاریخ کشور خود بودیم و اگر دیگران هم در سبب تاریخی فراموش کرده باشند، ما هم در سبب تاریخی خود، حق نداریم و نمی‌توانیم که غایب‌انمان و جاه رایییم. این تلاش خستگی‌ناپذیر، در راه اتحاد نیروهای انقلابی و خلقی، در راه وحدت خلقی از آنجاست که ما شاهد فواجع بزرگی در تاریخ کشور خود بودیم و اگر دیگران هم در سبب تاریخی فراموش کرده باشند، ما هم در سبب تاریخی خود، حق نداریم و نمی‌توانیم که غایب‌انمان و جاه رایییم.

آیت‌الله دکتر بهشتی:

شما (لیبرال‌ها) این آزادی را فقط برای ۵ درصد جامعه چیز خوب میدانید

آیت‌الله دکتر بهشتی رئیس دیوانعالی کشور روز پنجشنبه به‌منزله در محل کانون فرهنگی ایوبند در خانه قلم‌نویس تهران در حضور هزاران نفر از مردم، طی یک سخنرانی، مطالب مهمی در مورد لیبرالیسم بیان کرد. دکتر بهشتی در این سخنرانی مسئله اقتصاد مورد نظر لیبرالها را مورد بررسی قرار داد و «آزادی» مورد نظر این افراد را شرح داد. دکتر بهشتی همچنین گفت: ما اگر می‌گوییم آزادی حکومت لیبرالها بر جمهوری اسلامی ایران احساس‌ناکردنی می‌کنیم، ازباینست که ما عینیت این حاکمیت را در زادگاه‌ها لیبرالیستی (کشورهای اروپایی) دیدیم و شنیدیم... که آنها راه به‌سویی تپای انسان گشوده است نه به‌سویی شکوفایی انسان...
دکتر بهشتی در بخشی از سخنان خود به‌دیده‌گاه‌های لیبرال‌ها دربارہ سیستم اقتصادی اشاره کرد و ازجمله گفت: «آقای لیبرالیست، آقای که روی اقتصاد آزاد فری تکیه می‌کنی، جنبه‌های را بزرگ کن... بین بطور روند اقتصادی سرمایه‌داری جهانی مره و میدان عمل را برافراد انسانا و گروه‌های کوچک انسانها تنگ می‌کنی بطوری که یک انسان می‌تواند تکلیف نمی‌تواند بخورد...»

«آزادی» لیبرالها برای توده‌ها چیزی ندارد!
دکتر بهشتی افزود: «توده‌های مردم» روز و شب را باید کسبه و ده‌کسبه جلوشان بکشند و این کسبه هیچ‌کس روز به روز همی و روح و قیلتان روزبه روز از صادیا و بر خورداری‌های زندگی خالتر و کیششان هم روزبه‌روز خالتر باشد. در یک‌چنین جامعه‌های این فرد محروم، این بجه تولید شده در یک خانواده محروم امکان تحریک و شکوفایی و خودانگیختگی‌اش چند است مگر؟ بسیار ناچیز، یا یک‌چیزی نزدیک به سفر. بنابراین این آقای لیبرال گفته‌شود، این آزادی که تو می‌گویی چیز خوبی است اما برای تو، چون چیزیست که بر من (مردم) نمی‌آید این جمله، یک جمله ساده کوچک نیست که ما از آن به‌سادگی بگذریم، ما می‌بینیم که آن آزادی فری که لیبرالیسم رویش تکیه می‌کند یک خط‌سیر دارد و به‌یک‌سو جلو می‌رود و در این‌سو ما هرچه جلوتر می‌رویم، یک‌عاقبت مرفه و برخوردار از بسیاری از آزادی‌های اروپایی، بشکول شادمانه، برخوردار داریم لکنکانات فراوان برای اصال آزادیشان و یک اکثریت محروم را می‌بینیم، محروم، افسرده و دارای امکانات بسیار ضعیف برای استفاده از آزادی و اصال آزادی»

سؤال از لیبرالیسم:

سؤال از لیبرالیسم این است: که آیا شما براساس این اکثریتی را که در مشکلات طاقت‌فرسا قوت‌مور شده این راه‌سما براساسی این آزاد می‌باید؟ آیا راستی این اکثریت هم امکان اصال این آزادی را به‌اندازه آن اقلیت برخوردار مرفه دارد؟ شما این آزادی، آزادی، آزادی را فقط برای ۵٪ جامعه چیز خوب می‌دانید و برای آن ۹۵٪ چیز خوبی نمی‌دانید؟ یا اگر خوب است برای همه خوب است...
آیت‌الله بهشتی در جای دیگر سخن تأکید بر اجرای قطع قانون در مورد مبار «آزادی‌های مامشروع» و لزوم انجام اینکار توسط ارگانهای مسئول برای جلوگیری از تبلیغات سوء علیه انقلاب گفت: «دیگه‌بانه‌های که گاهی در استان و شهرستان و اسلام به‌مدت ستفان میدهند اینست که کاری که باید دولت و نهادهای قانونی و مسئول بکنند غیر مشول می‌کنند و آنوقت می‌گویند بله آزادی وجود ندارد. بکنند این آزادی‌های مامشروع را نهادهای مسئول مهار کنند... افراد و گروه‌ها وقتی کار به اینجا می‌کنند (توق اصال حق) دخالت غیرمشولانه نکنند که وقتی دخالت غیرمشولانه می‌کنند آنوقت دشمن می‌گوید ما آغاز می‌داریم»

بیزاد نبوی وزیر مشاور: با شکست آمریکا و عراق در جنگ علیه ایران

آمریکاتوطئه‌های داخلی را در ایران شروع کرده

بیزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرایی روز پنجشنبه گفت: دشمنان یک صلح‌نامه خطرناکی اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا باین طریق است که از طریق جنگ تجاری رژیم صدام خمین نیروی جمهوری اسلامی را سرفکون ساخت، توطئه‌های داخلی را شروع کرده است.
وزیر مشاور در این صلح‌نامه که در شانز کفرانی فضست و وزیر بر گزار شده ضمن اعلام مطلب بالا، به حادته‌های آفرینتی‌های ضدانقلاب اشاره کرد و گفت: «این مخالفت... در شرایطی است که ما سخت‌ترین شرایط را در جنگ می‌گذرانیم و احتیاج به وحدت داریم. وی سپس ضمن اشاره به این نکته که ما هیچ‌گونه رابطه‌ای را به قیمت وابستندن نخواهیم داشت، تصریح کرد که در این صلح‌نامه، یک معامله‌ای باشد که وابستگی بیار نیلورن به‌منفع مردم باشد آنوقت ممکن است انجام دهدیم»
وزیر مشاور در مورد اجرای در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «بسیاری از مهاجرین را خود مردم اسکان‌نهادند... و یا کسک وزارت کشاورزی جمعیت طلال احمر و کمیته امداد در مناطق گرسین ۵ اردوگاه تشکیل شده است که در حدود ۲۰ هزار نفر انحرافی است، مسئله اصلی را می‌توان در این مناطق اسکان جنگ قدرت است... و دولت دارد»

پول به مبالغ گزاف در دست‌مقرها، امتاع از بازگشت‌دان اسکناسها به تسلیات بانکها، خودداری از انجام معاملات با چک و سفته و حتی چک‌های تخمین‌شده بانکو قاچاق ارز و اقدام به خروج طلا و جواهرات از کشور و نظایر آن، در صدمت‌آزادان اختیار می‌کنند. بانک و پولی کشور برآمده، کاری نیست که باتوجه به عود به امر خیر انجام پذیر باشد. این کار مستلج اقدامات و تصمیمات بسیار جدی و عاجل در زمینه‌های زیرین است:

قبل از هر چیز قوانین پولی و بانکی کشور باید در جهت مهاجرتی اهداف انقلاب و تثبیت پایه‌های اقتصادی نظام نوین انقلابی و جمهوری اسلامی ایران درجه‌سریتر تغییر داده شود. در این زمینه اصل ملی‌گردن بازگامی خارجی - مندرج در قانون اساسی - انحصار دولتی خریدوفروش ارز، طلا و جواهرات و نفو فعالیت صرافیه، به‌شکل و نوع، باید به اجرا گذاشته شود.

برای بازگشت اسکناس و پول به بانکها باید تصمیم گرفته شود که از مبالغ معنی به‌یالا، تنها پولی از اعتبار قانونی برخوردار خواهد بود که در بانکها نگاهداری شود. همچنین باید به پس‌اندازهای کوچک فرخ بهره بیشتری پرداخت شود تا توده مردم، گذشته از دعوت دولت، از نظر ترویج مالی نیز به‌سازندار بیشتر ترغیب گردند.

لیکن تنها با این اقدامات نمی‌توان اهرم بحران عمده پولی و مالی را از دست سرمایه‌داران و رایت و عوامل ضدانقلاب و امپریالیسم گرفت. برای خارج کردن این اهرم از دست ضدانقلاب، در آخرین تحلیل چاره‌ای نیست، جز تجدید چاپ اسکناس بزرگ رابع در جمهوری اسلامی ایران. آئیم به‌بطوریکه بانک مرکزی در مورد خارج کردن اسکناس‌های رژیم طاغوت از جریان عمل کرده است. اقدام به چاپ وتوموض اسکناسی در جریان بایستی

سرمایه‌داران بزرگ، بخصوص بازرگانان وابسته، مختوران و سودجویان درخالی کردن کسبه مردم قرار گرفته از جانب دیگر این وضع، یعنی گران شدن پول و اودار ساخت تا آخرین پیراناز خود را از بانکها خارج کنند و صرف معاش روزانه نمایند. در نتیجه همه پولها، و دقیقتر گفته شود، قسمت اعظم نقدینگی کشور در اختیار سرمایه‌داران سودجو از شروع درآمد اینان اینک با سوء استفاده از این وضع، در صدمت اخلاقی در دست بانک و پولی کشور برآمده و می‌خواهند با ایجاد بحران مالی،

جبهه جدیدی از جنگ در مقابل دولت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط امام بکشند. پس بوضوح دیده می‌شود که مسئله تنها بر سر کاهش میزان اسکناسی در گردش نیست، که البته همانطور که نخست‌وزیر گفته است می‌تواند در کوه‌های بلند بر طرف شود. مسئله بر سر نهاد مجموعه سرمایه‌داری وابسته، اهرم از بازرگانان سودجو، مختوران، صرافان و عوامل مرئی و نامرئی آنان است، که نه فقط از وضعیت و احوال اقتصادی پس از انقلاب بسوءاستفاده درآمده‌ایا آورده، استفاده کرده و بر میلیاردها تروت‌پولی کشور چنگ انداخته‌اند، بلکه اکنون همین تروت‌پول‌ها و دولت در دستار قراردادن انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهند. لذا ضمن توجه به رفع ملالی مانند کمبود اسکناس در جریان و تقاضی دیگر در سیستم پولی و بانکی، در لحظه کنونی بطور صدمه و بدون تأخیر باید به خلق سلاح عواصل و مضامری پرداخت که صدمه به ایجاد بحران پولی برده‌اند و با تحریف در سیستم بانکی و مالی کشور می‌خواهند تصرف کاری به اساس و بنیان انقلاب وارد آورند.

خلق سلاح ضدانقلاب در جبهه پولی و مالی امری ضرور است
اما خلق سلاح آن سرمایه‌داری وابسته‌ای که امروز با تک‌داری

فائق‌گیرانه اقدام می‌تند تنها اینصورت بود که اسکناس‌های که در اواخر سلطه طاغوت بطرح کشور انتقال داده شده بود، به اختیار می‌گردید و بطور ایجاب‌دهی ضدانقلاب در امور مالی و پولی کشور گرفته می‌شد. متأسفانه چنین اقدامی هم در نتیجه عدم آگاهی مسئولین و هم بیشتر براساس مقاصد متضاد لیبرال صورت نگرفته. در نتیجه هم پول زیاد ایران در دوران پس از انقلاب کاهش یافته و هم ضدانقلاب توانست به تخریب در سیستم مالی و بانکی کشور بپردازد.

مسئله ملی‌گردن بانکها و اقدام آنها در یکدیگر و تمرکز امور ارزی و کوتاه کردن دست صرافیه و جلوگیری از خروج بیرونی ارز پناهای گوناگون، که از نظر خارجی و اقدامات نظیر آن‌ها در ازجمله کارهای اساسی دیگری بود که باید بلافاصله پس از انقلاب صورت می‌گرفت و بطور ضروری و فائق‌گیرانه به‌اجرا گذاشته می‌گشت. چنانکه می‌دانیم این کارها نیز با مقاومت‌های جدی از جانب سرمایه‌داران وابسته و عوامل آنها در دستک‌های پولی و بانکی کشور مواجه بود و هنوز هم در موارد بسیاری، تصمیمات درست اتخاذ شده یا به اجرا در نیامده و یا بشکل نیمه‌کاره و غیرقاطع به‌اجرا گذاشته شده است.

ضد انقلاب چیست؟ جدیلی در برابر انقلاب می‌کشاید
احوال و مسامحه، در اتحاد و اجرای تصمیمات اخیر نیز امری بود که بالطبع به‌سیستم پولی و بانکی کشور لطمه وارد می‌ساخت و به اختیار آن صدمه می‌زد و این همان چیزی است که ضدانقلاب در کمین آن نشسته بود. در نتیجه مجموعه این جریانها بود که ارزش ریال سرمایه‌کاهن یافته قدرت خرید آن تحلیل وینا کرد و تورم و گران شدن فوق‌العاده‌ای بخود گرفته وضع اخیر از یک نظر فمورد سوءاستفاده

بحران پولی...

واقعیت است، همراه هستیم. اما اگر تمام واقعیت را بیان نکنیم و نظر مسئولان را به عقب بحران پولی و مالی کشور در لحظه کنونی متوجه نمانیم، قطعاً وظیفه خود را در برابر انقلاب بدرستی انجام ندادیم.

بنظر ما، بحران پولی و نقدینگی در لحظه کنونی براساس چندین تراز است که انرا در بحران کمبود اسکناس در گردش خلاصه کنیم، بویژه آنکه میزان اسکناس در گردش کم نیست و مبلغ آن با سهم معاملات در شرایط کنونی کاملاً متناسب است. بحران نقدینگی و اسکناس در جریان در لحظه کنونی، نه ملل طبیعی، بلکه بطور صدمه ظلم‌متمومی دارد این بحران از خرابکاری صدمه سرمایه‌داری وابسته، عوامل ضدانقلاب و امپریالیسم - به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در سیستم پولی و بانکی کشور ناشی می‌شود. بیچین جیت تنها ایراد حس‌نیت برای دفع بحران کافی نیست، برای دفع این بحران باید تصمیمات مالی و پولی متناسب و هماهنگ‌های اتخاذ کرد و این تصمیمات را با استظهار به تأیید و پشتیبانی مردم انقلابی به اجرا در آورد.

قبل از پرداختن به بیان تصمیمات اساسی که باید برای مقابله با خرابکاری ضدانقلاب در امری مهمی مانند سیستم پولی و بانکی اتخاذ کرد، بیچاست به ساینه امر توجه کنیم، زیرا بحران کنونی یک نتیجه‌یاجاد تشنه و متشنات از مدتی قبل از جانب عوامل ضدانقلاب فراهم گردیده است.

برای مقابله با خرابکاریهای ضدانقلاب در سیستم پولی و بانکی کشور، که توقع آن حتی بون بایستی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب تصمیمات قطعی در این زمینه اتخاذ می‌شده متلاشی می‌شود. بلافاصله به چاپ و انتشار اسکناس‌های جدید، آئیم به‌بطور مرحله‌ای، بلکه یک‌زمانه، آئیم

نورالدین کیانوری «پرسش و پاسخ»

گام مهم در جهت تعمیق شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران

- ۶- آیا هجوم لیبرال‌ها ناشی از قوت، آنهاست یا ضعف
- ۷- فریبگری لیبرال‌ها
- ۸- آیا هنوز در ایران سرمایه‌های وابسته به انحصارهای امپریالیستی وجود دارند؟

کردستان و مسئله توجه به خواست‌های ملت‌های غیرفارسی و توجه به اهمیت مذاهب غیرشعی در جامعه ایران، در مورد مسئله کردستان ما هنوز می‌گوییم که سبستی که حاکمیت در باره مسئله کردستان در پیش گرفته، دارای جنبه‌های منفی جدی است و دشمنان انقلاب از این جنبه‌های منفی بهره‌گیری می‌کنند. اگر این تصحیح‌ها به موقع و با تعمق در اشتباهاتی که صورت گرفته به عمل آید، به نظر ما لیبرال‌ها موفق نخواهند شد که نیروی قابل‌توجهی از قشرهای غیروابسته به لیبرالیسم را به دنبال خود بکشانند و خط‌های برای انقلاب بوجود آورند. ولی اگر این افراط‌ها ادامه یابد و برخوردی نادرست در بعضی از نهادهای انقلابی تکرار شود و جلوی آن گرفته نشود و با آن مبارزه نشود، آن وقت البته این احتمال وجود دارد که لیبرال‌ها بتوانند گذشته از نیروهای خودشان، نیروهای دیگری را هم که نتیجه همین اشتباهات و زیاددرویی‌ها و افراط‌ها ناراحت و عارضی شده‌اند در اختیار خود بگیرند و آن‌ها را به گمراهی بکشانند و در جهت هدف‌های سازشکارانه و تسلیم‌طلبانه خود بکشانند.

باین ترتیب وظیفه ما عبارت است از تبلیغات ما و کوشش ما برای افشاکاری در جهت مختلف - افشاکاری حقیقی لیبرال‌ها که می‌خواهند تحت شعار "آزادی" انقلاب را منحرف کنند - توضیح به نیروهای سالم انقلابی که نمی‌بینند در دام لیبرال‌ها دارند می‌افتند؛ فریاد لیبرال‌ها متفاوت با خواست آن‌ها است. باید با تمام قوا بکوشیم و نگذاریم این نیروهای سالم با لیبرال‌ها در یک‌جبهه قرار بگیرند و بکوشیم که آن‌ها جبهه خود را جدا کنند و به آن‌ها بفهمانیم که موفقیت آن‌ها در تأمین خواست‌های، یعنی خودشان، یعنی تأمین آزادی‌های واقعی برای نیروهای سالم هواداران انقلاب ایران، تنها در صورتی است که آن‌ها بتوانند خط‌فاصل دقیقی بین عمل خود و عمل لیبرال‌ها که هدف‌های سیاسی دیگری در داخل و خارج دارند بکشند. این را باید به آنها بفهمانیم. باید از نیروهای حاکمیت یعنی در درجه اول از روحانیت مبارز نیز بخواهیم که بکوشند از اقدامات گروه‌های افراطی به تمام معنا و به طور جدی جلوگیری کنند. اعمال این گروه‌های افراطی می‌تواند در این لحظه با آن لحظه رقیبانه را از میدان عمل بطور موقت خارج کند. ولی ضررها و زیان‌های عمیقی می‌زند، نتیجه‌های می‌زند که می‌تواند همیشه بخورد و می‌تواند جنبش انقلابی اصلیل هوادار خط‌اسام را تضعیف کند. مسئله مبارزه با اشتباهات، و زیاددرویی‌ها و اجافاتی که در نهادهای انقلابی انجام می‌گیرد، در این لحظه دارای اهمیت فوق‌العاده مهم اجتماعی - تاریخی است و می‌باید که آن را خیلی جدی بگیرند و امکان ندهند که نیروهای هوادار انقلاب در نتیجه این نوع اشتباهات افراطیون، به سخت مقابل بمرند.

در مقالات نامه "مردم"، از جمله در مقاله "کارگری پنجم آذر"، هنوز از سرمایه‌داران وابسته نام برده می‌شود. با در نظر گرفتن این که سرمایه‌داری وابسته، یا سرمایه مشترک با انحصارات و شرکت‌های چند ملیتی دارد و یا زایدده آن‌ها است، آیا هنوز ما سرمایه‌داری داریم که به این شکل وابسته هستند؟ یا این که منظور نامه "مردم" از سرمایه‌داران وابسته همان سرمایه‌داران بزرگ ملی است؟ اگر نه، شکل وابستگی این سرمایه‌داران چگونه است که می‌توان اصطلاح "وابستگی" را در مورد آن‌ها بکار برد.

چ: ما در برنامه حزب توده ایران و در توضیحات کوناکونی که در تحلیل‌های اجتماعی داده‌ایم، این مسئله را دقیقاً روشن کرده‌ایم. دوست‌سوال کننده "ما متأسفانه به این تحلیل‌هایی که در گذشته انتشارات حزبی ما هست توجه نکرده‌است. ما هنوز سرمایه‌داری وابسته داریم، یعنی بخشی از سرمایه‌داری وابسته هنوز با تمام ایجاد خود باقی مانده است. ما در تحلیل‌های خود گفته‌ایم که سرمایه‌داری وابسته، سرمایه‌داری است که سرمایه‌اش به طور عمده در دایره عمل انحصارهای جهانی سرمایه‌داری قرار گرفته است. همچنان که بیشتر گفته‌ایم، پنج‌بخش مهم سرمایه‌داری بزرگ ایران در این وابستگی قرار دارد: اول سرمایه‌داری صنعتی وابسته، یعنی کلبه واحدها و صنایعی که با سرمایه مشترک انحصارهای امپریالیستی و سرمایه ایرانی اداره می‌شوند. مثل تمام کارخانجات مونتاژی که در ایران ایجاد شدند، یا کلبه کارخانجاتی که اصولاً با سرمایه‌های امپریالیستی در ایران بوجود آمده‌اند؛ این‌جا هم نمایندگان دارند. این سرمایه‌داری صنعتی وابسته است. دوم سرمایه‌داری بانکی، که این سرمایه‌داری با بانک‌ها و انحصارهای بزرگ دنیا ارتباط دارد و گردش سرمایه آن، در گردش عمومی سرمایه‌های انحصارهای بزرگ سرمایه‌داران جهانی قرار دارد. این سرمایه‌داری مالی وابسته است و تمام این صراف‌ها و ستمنازها همگی جزء آن به شمار می‌روند. سوم سرمایه‌داری بوروکراتیک، یعنی سرمایه‌داری دستگاه‌های دولتی که با بودجه دولتی یا انحصارهای جهانی به تمام معنی در ارتباط هستند. این هم سرمایه‌داری بزرگ وابسته به امپریالیسم است. چهارم سرمایه‌داری تجاری، که این مهم‌ترین سرمایه‌داری وابسته یا سرمایه‌داری کمپرادور است. این سرمایه‌داری با تمام حجم خود تقریباً دست‌خورده باقی مانده و امکانات غارتگری آن به مراتب افزایش یافته است. گرچه حجم واردات در مجموع کاهش یافته، ولی عامل این کاهش، کاهش واردات دولتی بوده و در مقابل واردات بخش خصوصی به مراتب رشد و توسعه یافته است و غارتگری آن دامنه وسیع‌تری پیدا کرده‌است. و بالاخره سرمایه‌داری بزرگ کشاورزی وابسته، که عبارت است از شرکت‌های بزرگ کشت و صنعت که با

روز ۶ آذرماه ۵۹، جلسه مرسوم پرسش و پاسخ تشکیل شده. رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به پرسش‌های مربوط به مسائل مردم جامعه انقلابی ایران و ضرورت شناخت واقعی دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پاسخ گفت.

بخش اول و دوم این پرسش و پاسخ در شماره گذشته درج شد و اینک آخرین بخش آن در زیر چاپ می‌رسد.

س: در تحلیل‌های اخیر حزب هجوم هاشنگ لیبرال‌ها به ضعف آن‌ها تعبیر شده، اما لیبرال‌ها با استفاده از شعار "آزادی خواهی" توانستند بسیاری از مردم را به سوی شعارهای خود جذب و در نتیجه از دموکراسی انقلابی که فعلاً مستحضر در روحانیت مترقی متجلی است، دور نمایند. آیا این گرایش، گرایش لحظفاست و یا احتمال عواقب خطرناکی از این گرایش می‌رود؟

ج: این سؤال البته با بعضی عدم دقت‌هایی که در برداشت‌های آن وجود دارد، دارای محتوای با اهمیتی است. در تحلیل‌های ما چنین گفته شده که هجوم اخیر لیبرال‌ها نشانه این نیست که آنها قدرت بیشتر یا پایگاه‌های مستحکم‌تری پیدا کرده‌اند، بلکه علت این هجوم عبارت از این است که آن‌ها در دوران اخیر مواضع بسیار حساسی را از دست داده‌اند. ما نکتتم آن‌ها خیلی ضعیف هستند. آن‌ها هنوز دارای نیروی قابل ملاحظه‌ای در جامعه ایران هستند. ما نکتتم آن‌ها در دوران اخیر مواضعی را که در اختیار داشتند از دست داده‌اند و در نتیجه از دست دادن این مواضع، به لوزه افتاده‌اند و شروع کرده‌اند به ایجاد جنجال برای بعدت آوردن مواضع از دست رفته، ما بطور دقیق گفتیم که مثلاً در دولت کنونی که بر پایه حمایت شخص اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی روی کار آمده، لیبرال‌ها نتوانستند پایگاه‌های مهمی با اصلاً پایگاه قابل توجهی را در اختیار بگیرند، بلکه تمام مواضعی را که سابقاً در دو دولت گذشته داشتند، از دست دادند. مثلاً در مدیریت صدا و سیما جمهوری اسلامی مواضع بسیار اهمیت و خیلی موثری داشتند، که از دست دادند. و یا در عرصه مطبوعات روزنامه‌ها مثل "کیهان" را از دست دادند. این‌ها است که آن‌ها را به تشنج واداشته، نه این که نیرو-هاشان تحلیل رفته است، از دست دادن مواضع با تحلیل رفتن نیروها متفاوت است. نیروی لیبرال‌ها با بطور کلی همان نیروی سابق است. قشرهایی از بورژوازی و خرید بورژوازی که جدا در مواضع نگه‌داری نظام سرمایه‌داری ایستاده‌اند. خصوصیت موضع طبقاتی آن‌ها همین است. البته اکنون بخشی از سایر نیروهای اجتماعی نیز - همانطور که پیش‌تر هم گفتیم - به دلیل مختلفی، از جمله مخالفت با زیاددرویی‌های افراطیون مذهبی و انحصارطلبان - به لیبرال‌ها کمک می‌کنند. اما هنوز ما آن‌ها را جزو نیروهای لیبرال به حساب نمی‌آوریم. آنها در نبردهای آینده هنوز می‌توانند موضعگیری‌های مختلفی داشته باشند. یعنی اگر واقعا مسئله به این شکل پیش‌تر نبرد لیبرال‌ها برای تثبیت وابستگی و هموار کردن زیرساخت‌ها با امپریالیسم ادامه یابد، ما فکر می‌کنیم که عده قابل توجهی از آن‌ها می‌تواند که از آن مسئله "آزادی‌ها" با لیبرال‌ها هم جدا هستند، از آن‌ها جدا خواهند شد و به هیچ‌وجه حاضر نیستند به تسلیم و سازش با آمریکا تن در دهند. این‌جاست که ما می‌گوییم لیبرال‌ها در نتیجه از دست دادن مواضع، در نتیجه نزدیک شدن خطرهای جدی به پایگاه اجتماعی - اقتصادی - شان در جامعه، ما، در نتیجه فشاری که از آن طرف توده‌های سراسری محدود کردن غارت سرمایه‌داری به آنها وارد می‌شود، به تشنج افتاده‌اند و شروع کرده‌اند به حمله برای منحرف کردن این حرکت ضد بورژوازی لیبرال که در ایران دارد گسترش پیدا می‌کند و برای ترمز کردن روند گسترش و تعمیق انقلاب در جهت ضد سرمایه‌داری و ضد مالکیت بزرگ.

خوب البته این‌ها توانستند از بعضی ضعف‌هایی که در کارنهادهای انقلابی وجود داشته‌اند زایل‌درویی‌هایی که گروه‌های افراطی در ادارات، در پاکسازی عناصر شرافت‌مند، علاقت‌مند، پاک و هوادار جمهوری اسلامی کرده‌اند، سوءاستفاده کنند و توانستند عده‌ای از ناراضی‌ها را زیر شعار تأمین آزادی‌های تضمین شده در قانون اساسی، به سوی خود جلب کنند. ولی همین‌جا اضافه می‌کنیم که نباید به هیچ‌وجه این اشتباه را کرد که کلبه کماتی را که جدا خواستار تأمین و تضمین آزادی‌های مطرح در قانون اساسی هستند، به حساب هواداران جدی بورژوازی لیبرال - با تمام مواضع سیاسی - اقتصادی آن، یعنی مواضع سازشکارانه‌ای نسبت به امپریالیسم آمریکا امپریالیسم به طور کلی و مواضعی در حفظ تمام نظام سرمایه‌داری در چارچوب قبلی خود گذاشت. بلکه در این‌جا یک همکاری و هم‌روزی در یک مسئله است که لیبرال‌ها به حساب خودشان درمی‌آورند و به عنوان حربه خود از آن استفاده می‌کنند. دیگران و حزب ما هم به طور

جدی خواستار تأمین آزادی‌های تصریح شده در قانون اساسی هستند، یعنی آزادی برای همه نیروهای هوادار جمهوری اسلامی ایران، هوادار قانون اساسی، و خواستار آن حکیم ستم‌گری اساسی انقلاب صرف‌نظر از موضع گیری فکری و ایدئولوژیک آنها، آزادی برای آن‌هایی که هر گونه بازگشت به عقب مخالفت اصولی و بنیادی دارند، آزادی سیاسی، آزادی تبلیغ، آزادی بیان و آزادی عمل برای همه نیروها، در همان چارچوبی که امام خمینی از ابتدا گفته‌است: آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات ولی نه آزادی توطئه. مابا هرگونه توطئه فکری علیه جمهوری اسلامی ایران جدا مخالفیم و مستقیم که هرگونه آزادی برای توطئه‌گران نباید محدود شود و جلوی توطئه‌گران با تمام قاطعیت گرفته شود، والا انقلاب را نمی‌توان حفظ کرد. به این ترتیب نباید در ارزیابی خود دچار اشتباه شویم. باید حساب کنیم که لیبرال‌ها نماینده تمام آن طبقاتی نیستند که الان برای تأمین آزادی، حتی با شعارهایی که تندتر می‌زنند، لیبرال‌ها قشر معینی هستند که دارای هدف‌های معینی هستند. آن‌ها سلسله‌مطرفان آزادی، همان آزادی که امروز خودشان می‌گویند نیستند، و به معنی اینکه به قدرت برسند اول آزادی را از مخالفین خودشان سلب خواهند کرد. چون محال است که لیبرال‌ها بتوانند انقلاب ایران را در چارچوب مورد نظر خودشان محصور بکنند بدون آن که آزادی توده‌های میلیونی و خلق‌های انقلابی ایران را که خواستار تضمین بنیادی در جامعه هستند از آن‌ها سلب کنند. آن‌ها دروغ می‌گویند. ولی نیروهای دیگری هستند که مواضع خواستار تأمین آزادی در چارچوب تصویری که از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران دارند، هستند.

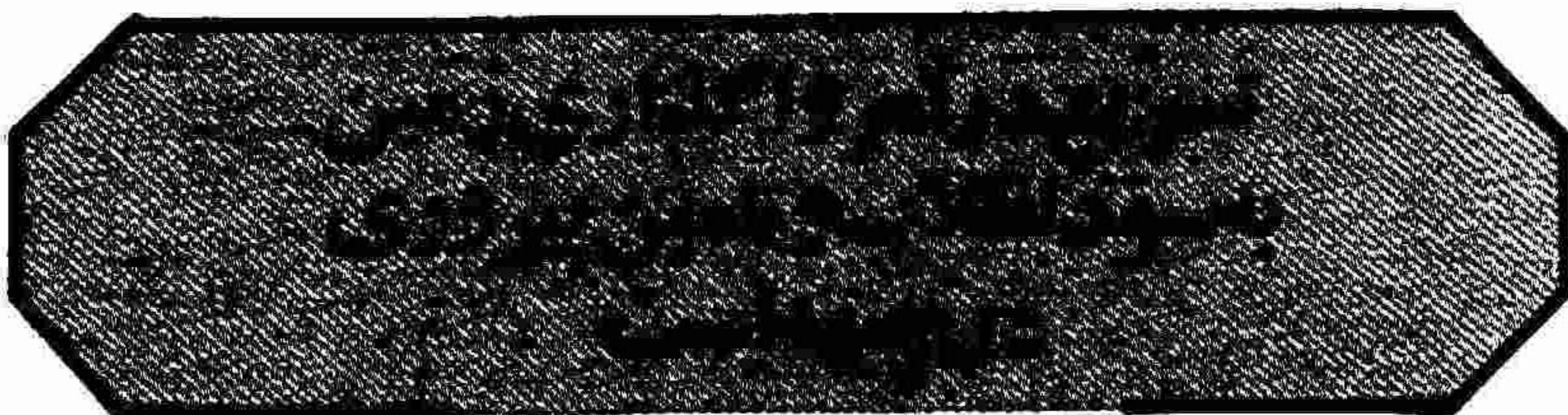
س: آیا همگامی و هماهنگی بین نیروهایی که فقط طرفدار تأمین آزادی‌های مورد تجاوت قرار گرفته از طرف افراطیون هستند، و لیبرال‌ها که "آزادی" دیگری "آزادی" غارتگری می‌خواهند، خطری برای انقلاب ایجاد نمی‌کند؟ آیا لیبرال‌ها موفق نخواهند شد جبهه مشترکی را که میان این دو بخش ایجاد شده علیه تمام دستاوردهای انقلاب ایران به سود خود و در راه منحرف کردن انقلاب ایران بسجج و وارد نبرد کنند؟

ج: به نظر ما نمی‌باید این خطر را به هیچ‌وجه از نظر دور داشت. عدم موفقیت آنها بستگی دارد به این که نیروهای هوادار جمهوری اسلامی ایران آنها را در تصحیح اشتباهات خود، در تصحیح زیاددرویی‌هایی که در موارد مختلف انجام داده‌اند و در نتیجه توانستند نیروهای را که به هیچ‌وجه هوادار موضع گیری لیبرال‌ها نیستند به سمت آن‌ها گرایش بدهند، آگاهانه عمل کنند. ما امیدواریم که نیروهای حاکمیت که هوادار جدی جمهوری اسلامی ایران و هوادار خط‌اسام هستند، اهمیت تأثیر منفی و زیان‌بخش این زیاددرویی‌ها را عمیقاً درک کنند و با تمام قوا در جهت جلوگیری از این زیاددرویی‌ها و افراط‌هایی باشند که نیروهای سالم هوادار انقلابی را از بی‌جهت بمطرف نیروهای دشمن انقلاب می‌رانند. ما در مراحل مختلف مبارزه سیاسی خود روی این مسئله بیکرات نگه کرده‌ایم. از جمله در مسئله

سرمایه‌های انحصارهای امپریالیستی و سرمایه‌های داخلی بوجود آمده‌اند. این‌ها بخش‌های مختلف سرمایه‌داری وابسته است. در نتیجه دستاوردهای انقلاب و بخصوص قطع دست گروه‌های عیقا وابسته به دربار "امپری" و سرمایه‌داران وابسته به آن، یعنی آن‌هایی که در جوار خسانواده پهلوی و کارگزارانش در قسمت‌های مختلف بخصوص در دهه پانزده سال اخیر رشد کردند و نمایندگان سرمایه‌داری بوروکراتیک، سرمایه‌داری بانکی، سرمایه‌داری صنعتی و کشاورزی بودند، به این چهار بخش ضرایب جدی وارد آمده‌است. قسمت مهمی از این چهار بخش سرمایه‌داری به بخش دولتی منتقل شده‌است. مثل بانک‌ها، کارخانجات، موسسات بزرگ کشت و صنعت و تمام ثروت خود خاندان پهلوی و تمام کارگزارانش. اما بخش سرمایه‌داری کمپرادور، یعنی سرمایه‌داری سنتی وابسته به امپریالیسم که تمام سرمایه‌اش در گردش کالا‌های انحصارهای جهانی سرمایه‌داری است، هنوز با تمام توان و امکانات خود باقی مانده‌است. من در آماری که دفعه پیش عرضه کردم، نشان دادم که در سال ۱۳۵۶ بیش از ۹۰ درصد واردات ایران از شش کشور بزرگ سرمایه‌داری غرب بوده است. تمام بازرگانان بزرگی که در این دایره کار می‌کنند، نمایندگان سرمایه‌داری وابسته به انحصارهای غرب هستند. این‌ها وارد کنندگان کالا‌های امپریالیستی هستند. از کالا‌های لوکس گرفته تا کالا‌های مصرفی - و هم اکنون در بازار ایران سرمایه‌داری ایران کار می‌کند و در دایره گردش سرمایه انحصارات جهانی قرار دارد. به این ترتیب ما معتقدیم که سرمایه‌داری وابسته هنوز در ایران از بین نرفته، و در بخش بسیار مهمی هم از بین نرفته‌است. اگر از لحاظ میزان سرمایه و میزان گردش و عمل سرمایه بسنجیم، بخش تجاری سرمایه‌داری با بخش کمپرادور، یکی از عمدتین و نیرومندترین بخش‌های سرمایه‌داری وابسته را تشکیل می‌دهد. ما می‌بینیم که سرگردم‌های بازار ایران، گردانندگان حزب "جمهوری خلق مسلمان" هستند. این اتفاقی نیست. اینان وابسته به امپریالیسم هستند و سیاست پروردان "جمهوری خلق مسلمان" هم عبارت است از سیاست برگرداندن رژیم وابسته اقتصادی و برگرداندن بختیار و ایسی و امثالهم به ایران - بورژوازی لیبرال یا نایبده بخش متوسط سرمایه‌داری ایران، یعنی آن سرمایه‌داری که ما "سرمایه‌داری ملی" می‌نامیم، بخشی از سرمایه‌داری است که به طور عمده در دایره عمل سرمایه‌های امپریالیستی قرار گرفته‌است. مثل کارخانجات متوسط امپریالیستی به طور عمده در کار این بخش دخالت ندارد. اما از لحاظ سیاسی این بورژوازی یا سرمایه‌داری ملی به اضافه سرمایه تجاری در امور ساختن، مسکن و ساز و بنفروش‌ها، به سرمایه‌داری وابسته یا "خلق مسلمان" نزدیک شده است و ما می‌بینیم که لیبرال‌ها با "خلق مسلمان" این در یک‌جبهه قرار می‌گیرند. این همان پیش‌بینی است که ما در "پلنوم" اخیر کردیم. بورژوازی لیبرال در دوران تسلط یک جانبه و مطلق سرمایه‌داری وابسته سرمایه‌داری صنعتی و بانکی و بوروکراتیک و دستگاه دربار و ساواک و غیرفئودالیستی بود، زیرا این‌ها مانع از رشد سرمایه‌داران متوسط می‌شدند. آنها می‌خواستند همه چیز را در جنگ خود نگاه دارند. به همین دلیل هم لیبرال‌ها در آن تاریخ طرفدار قانون اساسی شاهنشاهی و قانون اساسی مشروطیت بودند و می‌خواستند رژیم شاهنشاهی را حفظ و قطشاه و ساواک را حذف کنند. بنا به خواست آنها باقی چیزها می‌باید در جای خود بماند و نمایانگر آن، سیاسی بود که ما "گام به گام" دنبال می‌کردیم. آقا هیچ چیز تغییر نکند، همه چیز را همان‌طور نگاه دارید، با آمریکا جنگیم، با جزو دم پلنگ و وحشتناک نگذاریم، خطرناک است، با آن کنار بیاییم، بوائی بوائی و "گام به گام" و به تدریج حقوق‌مان را از او بگیریم.

یعنی حفظ نظام سرمایه‌داری وابسته مناسبات آن با دنیای امپریالیستی، و منحود کردن غارت سرمایه‌داری وابسته به نفع سرمایه‌داران ملی. ولی پس از انقلاب آنها دیدند که موضوع شوخی نیست. ملت چیزهای دیگری می‌خواهد، ملت فقط به این اکتفا نمی‌کند، فقط محدودیت غارت لازم ندارد، بلکه می‌خواهد تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی بوجود آورد، قانون اساسی ای می‌گذراند که طبق آن باید با استمرار مبارزه شود، تجارت خارجی باید ملی شود، اصلاحات ارضی به سود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین به عمل آید، و سببه کار به کسانی داده شود که می‌کنند، یعنی کارخانجات باید در اختیار و تسلط کارگرانی که کار می‌کنند و مهندسین و کارکنان آن واحد اقتصادی قرار گیرد، مبارزه در این قانون اساسی تضمین می‌شود که دیگر با اصل نظام سرمایه‌داری و بزرگ مالکی غارت جدی دارد. این است که بورژوازی لیبرال می‌گوید ما را به بخیر تو امید نیست جمهوری اسلامی، تر مرسان، ولی بوائی بوائی سازش می‌کند با دشمنان. این عین ستم‌های است که ما در تحلیل "پلنوم" پیش‌بینی کردیم و گفتیم بورژوازی لیبرال با تعمیق انقلاب به آن پشت می‌کند و با پدیده‌های است که ما الان می‌بینیم که انقلاب سازش می‌کند. این علت آن پدیده‌ها است که ما الان می‌بینیم که لیبرال‌های "نهضت آزادی" و "جبهه ملی سابق" با "خلق مسلمان‌ها" در یک جبهه قرار می‌گیرند، می‌تینگ مشترک می‌دهند و هواداران "خلق مسلمان" برای لیبرال‌هایی که تا دیروز خیلی انقلابی بودند و در شورای انقلاب بودند، جلسه خبرانی ترتیب می‌دهند و پول خرج می‌کنند تا افراد را جمع کنند و جلوار می‌خورند برای این که امضا جمع کنند و سرکله "خلق مسلمان‌ها" را با هواداران ظاهری انقلاب در یکجا می‌بینیم. به این ترتیب این که سرمایه‌داری وابسته، با بورژوازی لیبرال ایران که نماینده بخش بالای سرمایه‌داری ملی است، نزدیک شده و همکاری سیاسی میکند، کاملاً قانونمندانه و طبیعی است. ما در تحلیل "پلنوم" نوشتیم که در تمام انقلاب‌ها این پدیده وجود داشته و هیچ دلیلی وجود ندارد که انقلاب ایران از این قانونمندی مستثنی باشد. و واقعا هم تاریخ عین این پیش‌بینی را تأیید کرده‌است.

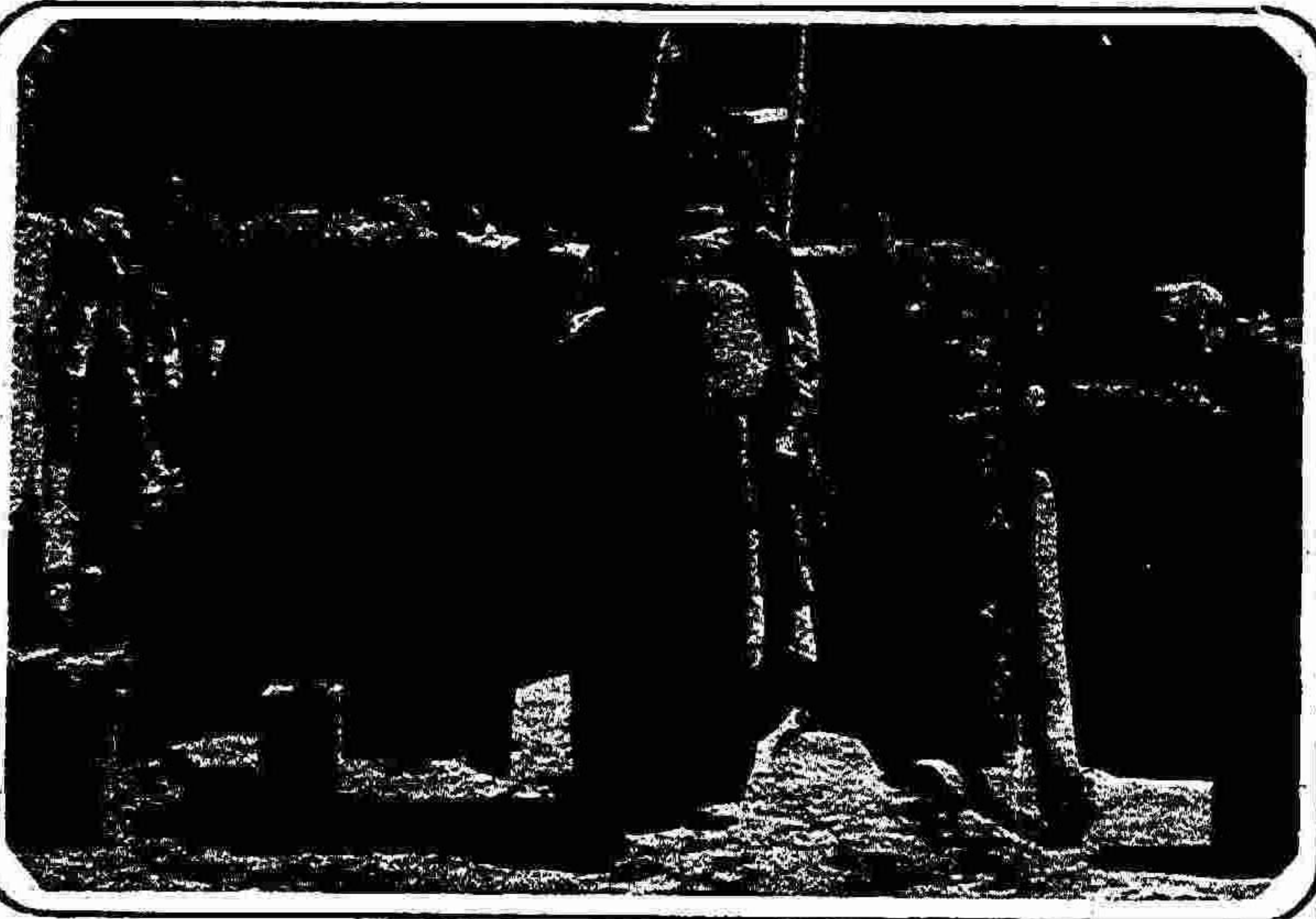
س: این دو سؤال را یکجا می‌توان جواب داد. یک سؤال دیگر هم هست باز درباره موضع گیری سازمان مجاهدین خلق در این مسئله که آن هم تقریباً به همین مسئله مربوط می‌شود. بسنجید رفقا اگر به مجلس و صحنه سیاسی بنگریم، همان طوری که من در آن مقاله اشاره شده نوشته‌ام، در دو طرف اختلاف و افتاب‌نرویی‌هایی هستند که البته در یک طرف اختلاف اکثریت دارند و در طرف دیگر، یعنی طرفی که الان مسئله پرچم "آزادی‌های دموکراتیک" را بطور خیلی بارز برافراشته‌است ممکن است اقلیت داشته باشند و ممکن است بخشی مهمی باشند. جایشان در جبهه متحد خلق، یعنی در سمت گیری‌های اصلی جبهه متحد خلق است. ما معتقدیم که این هادرو مواضع کاملاً درست جبهه متحد خلق قرار گرفته‌اند، یعنی بخوبی در مواضع ضد امپریالیستی، مخو سرمایه‌داری بزرگ و مالکیت بزرگ و در مواضع تأمین آزادی برای نیروهای انقلابی جا دارند. و به این جهت ما آن‌ها را جزو نیروهای اصیل جبهه متحد خلق می‌دانیم. این واقعیت است. من در توضیح قبلی گفتم که ما نمی‌باید این اشتباه را بکنیم که کلبه نیروهای را که الان در مسئله محدودیت‌هایی که برای آزادی‌ها بوجود آمده‌است، دارای موضع مشترکی هستند و تلاش می‌کنند برای این که این محدودیت‌ها را کم‌کم مقداری از آن عینی است از بین برود، از لحاظ سیاست داخلی در مجموع خود، از لحاظ موضع گیری نسبت به هدف‌های انقلاب، از لحاظ موضع گیری در سیاست دولت جمهوری اسلامی در صحنه جهانی یعنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، عیناً یکی بدانیم. در گفتار هفته پیش من به صراحت گفتم که ما حتی هنوز نمی‌توانیم این‌طور حکم بکنیم که خود



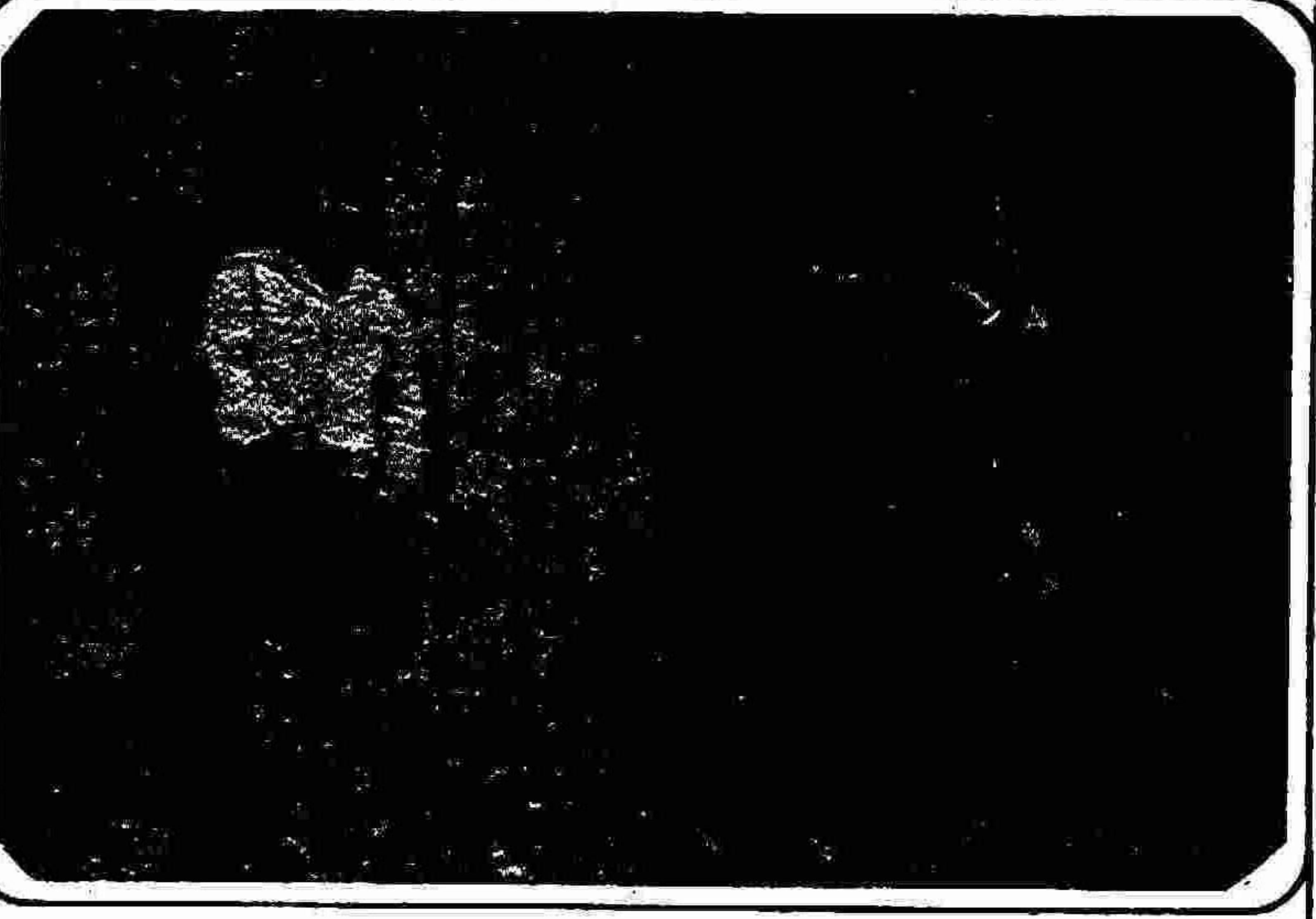
رپرتاژ مصور از روستای بهرام - مرند - آذربایجان شرقی



محصول کار این دهقان سالخورده دیگر به هیچ ترتیب و با هیچ بهانه‌ای نباید در مبین انقلابی ما به جیب ارباب برود. او و کشور او و انقلاب اوست که باید از نمره کارش بهره‌مند شوند.



مشهدی جبران زنی روستائی، از خانواده‌ای مبارز، در خانه گلی قدیمی خود، ما مدافع انقلاب هستیم و امیدواریم بچه‌ها و نوه‌های ما زندگی خوبی داشته باشند. نه مالکین به آنها زور بگویند و نه واسطه‌ها غارتشان کنند. زمین و محصول مال همه دهقانان باشد و همه دهاتی‌ها خانه مناسب و همه دهات مدرسه داشته باشند.



جمهوری اسلامی ایران، پشایه هدیه انقلاب بزرگ خود، زندگی سربلند، آزاد و انسانی را برای این کودکان دهقان به همراه خواهد آورد. دشمنان پرامید آنها در انتظار تدابیر انقلابی است.

وام‌های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی‌ها برسانید.

روستای پلازم بر آفتاب در ۲۶ کیلومتری شمال نهاوند واقع شده است. جمعیت این روستا ۲۳۰ خانوار و کلاً دوهزار نفر است. از این تعداد ۱۶۰ خانوار دارای زمین و ۷۰ خانوار دیگر خوش‌نشین هستند. خوش‌نشینان اغلب در جستجوی کار به شهرستانها و بیشتر به تبران می‌روند. کل زمینهای مزروعی این روستا ۱۵۰ جفت است، که آب آن بوسیله رودخانه تامین میشود. مالک این روستا طی سالیان دراز به این دهقانان زحمتکش ظلم و ستم‌زرا داشته است و حتی ۴۰ هکتار از اراضی را که متعلق به تنفر از دهقانان بوده، غصب کرده است. این بی‌عدالتی‌ها که جان دهقانان زحمتکش را به لب رسانده بود، بعد از انقلاب نیز بعلت حضور لیرالها در دولت، بوسیله مالک و ایادیش اعمال میشد. تا آنجا که دیگر دهقانان دریافته بودند که با یک اعتراض دستجمعی عناصر لیرال و مالک ضدانقلابی را بجای خود بنشانند و جلوی توطئه‌ها و تحرکات او را بگیرند و قریب حق طلبانه خود را به گوش مقامات مسئول دولت انقلاب برسانند و آنها را متوجه کنند که علیه انقلاب و هدفهای آن یک مرکز فاسد غارتگری توطئه وجود دارد. در این اعتراض دستجمعی به خاطر دفاع از انقلاب و برای افضای بزرگ مالک ضدانقلابی،

بیش از همه، دهقانان بی‌زمین شرکت داشتند. با وجود مساعد بودن زمین، هنوز هشتاد و گذاری اراضی، آغاز به واگذاری زمین نکرده است. تاخیر در کار موجب شده که بزرگ مالکان بخود جرات بدهند و علیه دولت انقلابی و تصمیمات آن اقداماتی بکنند. بعلاوه، اهالی این روستا مشکلات دیگری هم دارند. از جمله در مسیر یک کیلومتر راه خاکی، که به جاده اصلی، یعنی جاده نهاوند - کرمانشاه مرتبط است، رودخانه‌ای قرار دارد که عبور از این رودخانه در فصل زمستان غیرممکن است. روستای پلازم بر آفتاب، دارای یک مدرسه است که ساختمان آن خراب است. اهمیت فرمان امام خمینی مربوط به مسوولان آموزی از اینجا نیز معلوم میشود که ۸۳ درصد اهالی بی‌سوادند. آب آشامیدنی اهالی این روستا از آب غیر بهداشتی چاه تامین میشود. در این روستا هنوز برق کشیده نشده است. ضدانقلاب، که بزرگ مالکان و ایادیشان و ساواکی‌ها و وابستگان رژیم سابق را نیز شامل میشود، با اجرای طرح اصلاحات ارضی بوسیله حشمت‌های ۲ نفری مخالفت و به انواع مختلف و از جمله اعمال فشار لیرالها در جلوی پای آن سنگ اندازی می‌کنند. پس از آن که یکبار دیگر تخته‌های

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

و حیاتی باید مشوق تولید و اشکال پیشرفته آن و منطبق با نیازهای واقعی اقتصاد سالم کشا و رزی و منافع حیاتی دهقانان زحمتکش باشد. بعلاوه، بسیاری از ضوابط و شرایط دوران طاغوت، که نمی‌توانند و نمی‌توانست با در نظر گرفتن منافع زحمتکشان روستاها تدوین شده باشد، متأسفانه هنوز باقی است. یکی از این شرایط مسئله بدهی‌های سابق دهقانان است. پرداخت بدهی‌های گذشته دهقانان بعنوان شرط دریافت وام جدید، اصولاً مطابق با راستای احیاء کشاورزی و رشکسته و طاغوت زده ما نیست، و انجام چنین شرطی فعلاً از عهده ۵ میلیون‌ها کشا و رزخارج است. باید بطور اضطراری و استثنایی بدهی‌های گذشته - اصل و فرع آن و نه فقط جرائم دیرکرد آن - را بخشوده اعلام کرد. برای رشته تولیدات کشا و رزی و احیاء این رشته تولیدی مهم باید تدابیری نو و انقلابی اندیشید که بتوان با آن تحول کیفی و کمی عمیقی در کشا و رزی ایجاد کرد. از جمله میتوان با الغای بدهی دهقانان، همراه با واگذاری زمین مزروعی به آنها و تاسیس مراکز خدمات کشا و رزی و با دادن وام‌های جدید و ضروری به شوراهای ده و بطور جمعی، امکان داد تا دهقانان زحمتکش، با بهبود وضع کشا و رزی و اقتصاد خود و شنا لوده ریزی بخش تعاونی، که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، بتوانند نقش شایسته خود را در شکوفایی و تحکیم استقلال جمهوری اسلامی ایران ایفا کنند.

بدنبال درج یک خبر دهقانی در شماره ۳۴۸ تا مه مردم، مورخ ۵۹/۷/۱۲ تحت عنوان "بانک کشاورزی شیراز توجه کند"، نامه‌ای به شماره ۵۹/۷/۲۲ از طرف روابط عمومی بانک کشا و رزی به دفتر نامه مردم ارسال شده است، که عیناً نقل می‌گردد: "در مطلب گفته شده در گزارش اهالی روستای شوره سروستان فارس مدت یکسال است تقاضای وام برای حفراجه و نصب موتور پمپ نموده‌اند، لکن این بانک از پرداخت وام خودداری نموده است. در پاسخ به اطلاع می‌رساند بانک کشا و رزی در خدمت کلیه کشا و رزان کشور می‌باشد و ممکن نیست کشا و رزی به کشاورز دیگر رجحان داشته باشد. منتهی دریافت وام تابع شرایط و مقرراتی است و چنانچه کشا و رزی شرایط مزبور را دارا نباشد، نخواهد توانست از وام بانک استفاده نماید. از جمله این شرایط آن است که واقعا کشا و رزی باشد و وام را برای حفراجه کشا و رزی بخواند. به بانک کشا و رزی بدهی نداشته باشد. پروانه لازم را برای کاشی نمودن نظر اخذ کرده باشد. وثیقه و یا ضمان لازم را به بانک معرفی نماید. لذا در مورد این دو تن نیز، که نامشان ذکر نشده است، ممکن است شرایط لازم برای حفراجه نیا ز به پروانه حفاری می‌باشد. بطور کلی بانک کشا و رزی برای حفراجه انواع چاه‌ها و نصب موتور پمپ حداقل تا مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ تومان وام تضمینی به مدت ۴ سال و با نرخ ۴ درصد کارمزد و بدون دریافت وثیقه ملکی پرداخت می‌کند. برای حفراجه‌های عمیق و ایجاد سیستم آبیاری جدید که نیاز به وام بیشتری می‌باشد بانک مبلغ مورد نیاز را با ارائه وثیقه ملکی در اختیار کشا و رز قرار می‌دهد."

نامه مردم ضمن تشکر از توجه مقامات مسئول به نیازهای دهقانان و توضیحات روشن‌کننده‌ای که در باره شرایط اخذ وام داده شده است، توجه مقامات مسئول را به این نکته جلب می‌کنیم که سیاست بانکی و اعتباری مادر این رشته حساس

امیدواریم مقامات مسئول با تجدید نظر کلی در قوانین گذشته راه‌آینده را که راه سازندگی اقتصاد کشور است هموار کرده و رشد اقتصاد کشاورزی کشورمان را از دلان‌های تنگ اداری و قواعد و قوانین کمر شکن زمان طاغوت نجات بخشند. ضمناً از یادآوری اصول کنونی اعطای وام که در نامه روابط عمومی بانک کشا و رزی به "نامه مردم" ذکر شده و می‌توانند در حال حاضر برای دهقانان و اطلاع آنها مفید باشد، سپاسگزار می‌کنیم.

بیانیه مشترک

سازمان حزب کمونیست عراق (دروغ) و سازمان حزب توده ایران (دروغ) درباره جنگ تجاوزی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

خلقهای ایران و عراق را پیوندهای تاریخی بهم مربوط و نزدیک ساخته است. مبارزات هر دو ملت برای استقلال، دموکراسی و پیشرفتهای اجتماعی، صفحات زرینی از تاریخ مبارزات برادران خلقهای تحت ستم منطقه را تشکیل میدهند.

خلقهای ایران بپنگام مبارزات خود علیه امپریالیسم انگلیس و آمریکا و برای ملی کردن نفت، از پشتیبانی بی دریغ مردم عراق برخوردار بودند.

مردم عراق نیز که در سال ۱۹۵۸ موفق شدند بساط حکومت مغرور فیصل - نوری سعید را برچینند، با استقبال و همبستگی شایان خلقهای ایران روبرو گشتند.

مبارزات خلقهای ایران سرانجام دودمان طاغوت را درهم نوردید. انقلاب ایران در عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی ضربات برآمده بریک امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وارد ساخته است. در خلال تمام این مبارزات، مردم ایران از همبستگی بی شائبه مردم عراق برخوردار بودند.

اکنون رژیم بعثی عراق جنگ گسترده تجاوزکارانه ای را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. این رژیم در حقیقت بصورت عامل امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و مصالح خلقهای ایران عمل میکند. گسترش این جنگ توسط بعث عراق، در عمل همان تلاش امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و دولت های ارتجاعی منطقه است. بیخاطر سرکوب جمهوری اسلامی ایران و تحکیم سلطه خود.

دولت های ارتجاعی منطقه، از جمله رژیم بعثی عراق، از همان روزهای شروع انقلاب افتخارآمین خلقهای ایران، به دشمنی با آن شروع کردند و تنها هدفشان نیز متوجه جلوگیری از گسترش انقلاب در منطقه بوده است.

انقلاب بزرگ مردم ایران از ابتدا بصورت عامل الهام دهنده مبارزات مردم منطقه عمل کرده و در گسترش این مبارزات برای استقلال، دموکراسی و پیشرفت های اجتماعی، نقش ارزنده ای ایفا نموده است.

بلوغ تابسامان درمانی

استان پوشش رسیدگی کنید

عدم امکانات درمانی در استان پوشش، در محدوده های بین استان ساحلی و خوزستان و فاسدان پزشکی متخصص، درمانگاه، بهداشت و دارو، مشکلات فراوان برای مرز نشینان این استان به وجود آورده است و این مناطق با جمعیتی حدود ۳۵۰ هزار نفر، تنها دو بیمارستان، یکی در مرکز استان پوشش و یکی در برازجان دارد، که با کمبود تخصص، کادر، وسایل بیمارستانی و دارو روبروست.

مردم زحمتکش این مناطق، بخصوص روستائیان، سالیان دراز است که بیماران خود را از مناطق دور دست به این دو بیمارستان می آورند.

وظیفه دولت انقلابی است که هرچه زودتر به مشکلات درمانی و کمبودهای پزشکی این استان و وضع تابسامان روستائیان رسیدگی کند.

اعتراض کانون صنفی فرهنگیان به گرفتن تعهد عدم فعالیت سیاسی از معلمان

کانون صنفی فرهنگیان در نامه سرگشاده ای به وزارت آموزش و پرورش، به گرفتن تعهد عدم شرکت در فعالیت های سیاسی، به عنوان تنها شرط بازگشت معلمان اخراجی به کار، اعتراض کرد.

در این نامه آمده است:

"اخیرا مشاهده شده که در برخی از شهرستانها، جهت بازگرداندن معلمان اخراجی به کار، از آنان تعهدی گرفته می شود که مفهوم آن منع شرکت در فعالیت های سیاسی است. اتخاذ این رویه نامعقول و موهن، از جانب مسئولان مربوطه، چه عالما عامداً، و چه از روی ناآگاهی انجام گرفته باشد، شدیداً به اعتبار و حیثیت والای انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد خواهد ساخت. به نظر کانون صنفی فرهنگیان، چنان مسئولانی، در عطا صیل انقلاب اسلامی نیستند و آشکارا اصول ۲۶ و ۲۳ قانون اساسی را مبنی بر آزادی شرکت مردم در احزاب، جمعیت ها، انجمن های صنفی و سیاسی و عدم تفتیش عقاید، زیر پا می گذارند و شایسته است که آنان را از شادگروه احترام و رعایت قانون وادار ساخت.

ما از مقام وزارت و سایر مسئولان معتمد و انقلابی آموزش و پرورش کشور، انتظار داریم، در زمینه موقوف ساختن چنین اعمال بی رویه و ناپسند، تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند. نباید گذاشت در میهن از بند رسته و در جمهوری جوان و نو بنیاد ما، این گونه اعمال زیان بخش و قبیح که مختص رژیم استبدادی و خود فروخته پهلوی بود، باب گردد.

و انگهی، اعمال این گونه روشها، نه تنها اهانت به شخصیت معلم است، که خود باید منادی آزادی خواهی و حق طلبی و آموزش دهند، قانون باشد، بلکه شب بی اعتبار ساختن ولکه دار کردن قانون اساسی جمهوری اسلامی است. برای دست یابی به این قانون، خون پاک هزاران شهید بر زمین ریخته شده، و برای حفظ و صیانت آن هنوز هم در مقابل تجاوزات بیگانگان و خنثی ساختن توطئه های رنگارنگ ضد انقلاب داخلی خون بر زمین ریخته می شود. پوشیدنیت که ادامه این خودسری ها، عمل کرد رژیم جمهوری اسلامی ما را، چیزی شبیه شیوه های شیطانی، ضد انسانی و قانون شکنانه رژیم ننگین طاغوت جلوه خواهد داد.

وظیفه ما است که از قانون اساسی جمهوری اسلامی با قاطعیت پاسداری کنیم و از دستاوردهای گرانقدر انقلاب به رهبری امام خمینی، با شور و علاقه و با احساس مسئولیت حفاظت نماییم.

رژیم بعث در عین حال شدیدترین جو خفقان را در عراق ایجاد کرده، به تعقیب، شکنجه و قتل کمونیست ها و سایر میهن دوستان و آزادی خواهان، می پردازد.

خلق های ایران، عراق و فلسطین به اتفاق سایر خلق های مبارز منطقه علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، رژیم بعثی عراق و صهیونیسم اسرائیل، تا به پیروزی نهائی مبارزه خواهند کرد. جبهه نیروهای مترقی عراق هم اکنون بصورت مانع در راه تسلط فاشیستی رژیم بعثی عراق قرار گرفته است.

سازمان حزب توده ایران (دروغ) و سازمان حزب کمونیست عراق (در سوئد) با شدت هرچه تواتر جنگ تجاوزکارانه رژیم بعثی عراق علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را محکوم میکنند و از افکار عمومی مردم سوئد میخواهند که از مبارزات مردم ایران و عراق علیه رژیم مغرور صدام حسین پشتیبانی کنند.

زنده باد مبارزات متحد خلق های ایران علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق!

زنده باد مبارزات خلق عراق برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام حسین و برای ایجاد یک سیستم دموکراتیک با خودمختاری حقیقی برای خلق کرد!

زنده باد مبارزات حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا و نیروهای مرتجع منطقه!

مردم ایران تا تار آخرین قطره خون خود از جمهوری اسلامی ایران و خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی دفاع خواهند کرد. رژیم بعث عراق می باید بدون قید و شرط به جنگ تجاوزکارانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران خاتمه دهد و به فوریت نیروهای نظامی خود را از خاک ایران بیرون ببرد!

سازمان حزب توده ایران (دروغ)
سازمان حزب کمونیست عراق (در سوئد)
استیکلم ۱۴ اکتبر ۱۹۸۰

گام مهم در ...

بقیه از صفحه ۳

دکتر بنی صدر، رئیس جمهور در تمام مواضع اقتصادی و سیاسی بالیبرال ها و دیکرانی که الان ظاهراً علیه نیروهای روحانیت مبارز، بیانیه های که آن ها به عنوان "انحصار طلبان" هر قری می کنند، کاملاً در یک جبهه قرار گرفته اند. مثلاً ما فکر می کنیم که حتماً آقای رئیس جمهور در مسئله اصلاحات ارضی طرفدار انجام آن اصل ماده "ج" اصلاحات ارضی است، و در این مسئله با نیروهای دیگری که طرفدار آن هستند، از آن جمله دولت، و نخست وزیر که پایان دادن به مالکیت بزرگ ارضی را صریحاً لازم دانسته است، حتماً در یک موضع قرار دارد، و این خود یکی از مصادیق مهم اختلاف بین لیبرال ها و نیروهای غیر لیبرال است.

بعین ترتیب حکم کردن این کلمه که کسانی که از لحاظ مسئله تضمین و تامین کامل آزادی های مصرح در قانون اساسی برای نیروهای وفادار به انقلاب شکوهمند ما و نیروهایی که برای نگهداری جمهوری اسلامی ایران یا فتاری می کنند در جبهه لیبرال ها قرار دارند، صحیح نیست. ما بین آن ها اختلافات خیلی خیلی جدی قائل هستیم. عده ای از مخالفین دولت کونونی هستند که معتقدند دولت کونونی نمی تواند از عهد و وظایف و مسئولیت سنگینی که بر دوش دارد برآید. ولی این افراد را ما می شناسیم و می دانیم که این افراد به تمام معنا در خط امام قرار گرفته اند و با تمام نیروی خود علیه امپریالیسم و برای پیروزی تمام آن هدف های اساسی خط امام که ما بارها پنج عنصر اساسی اش را تکرار کرده ایم مبارزه می کنند و در مسائل مربوط به سیاست اقتصادی کشور در آینده، در مسائل تغییرات بنیادی و در سیاست خارجی، به هیچ وجه با کسانی مثل گردانندگان روزنامه "میزان" و سایر لیبرال ها وجه مشترکی ندارند. ما آن ها را می شناسیم. بعین جهت است که ما با بیستی دقیقاً تفکیک کنیم و بعد دیگر نیروها هم توصیه می کنیم. همان نیروهایی که الان در مقابل این جبهه به اصطلاح هواداران آزادی های دموکراتیک، آزادی های کامل و مطلق قرار گرفته اند که در این دام نیفتند که همه این ها را به یک جوب برانند. ما معتقدیم که ممکن است در موضع گیری برخی از افرادی که در دوران انتخابات مجلس شورای اسلامی به آن رای دادیم تغییراتی پیدا شده باشد و واقعاً از یک جبهه بروند به جبهه دیگر (این امکان همیشه هست)، ولی به طور عمده آن ها در مواضع اصولی خودشان که مواضع اصولی انقلاب است هنوز جادارند. منتها اختلاف نظرهای در موارد گوناگون بویژه در مورد بعضی زیاد مبروری هایی که نیروهای افراطی در بخش های مختلف زندگی اجتماعی کرده اند، دارند که ما آن نظریات را هم جداً تأیید نمی کنیم. یعنی عین آن نظریاتی است که حتی ما هم داریم. از این افراط ها باید جلوگیری کرد. ما به هیچ وجه موافق نیستیم که یک عده بی مسئولیت بیایند بپرزند به بدبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران یا بروند به روزنامه "میزان" یا بروند در مشهد به یک موسسه پژوهشی اسلامی حمله کنند، هر قدر هم که با گردانندگان آن جریان مخالف باشند. نهادهای انقلابی با حقوقی که دارند به طور قانونی بایستی به هرگونه توهینی که به قانون اساسی انجام می گیرد و به هرگونه عمل ضد انقلابی که انجام می گیرد، رسیدگی کنند. کاری که دادستان انقلاب نسبت به بازداشت صادق قطب زاده کرده، یک کار قانونی است، کاری است که می شود به طور صریح دلایلی برایش آورد. پرونده های بوده است و مطابق آن پرونده، چه عضو سابق شورای انقلاب باشد، چه فلان فردی که در کوچه کارخانی انجام داده، نهادهای انقلابی مطابق موازین قانونی حق دارند هر نوع عملی را که صحیح تشخیص بدهند، انجام دهند یا محاکم انقلابی در اکثریت

مطلق آرای که صادر کردند محق بودند و کار آن ها در جهت حفظ ششون

انقلابی و حفظ نظام به روزمند انقلاب ما بود. خوب حالا یک درصد، دود درصد هم ممکن است اشتباه باشد. ما نمونه های را خودمان گفتیم: در کرمانشاه یک توده های مبارز و پشتیبان خط امام را گرفتند و نیم ساعت اعدامش کردند. کسانی که آگاهانه این کار را انجام دادند، جنایت کردند و آن حاکم شرعی که یک چنین رایی داده، اشتباه واقعاً فاجعه آمیزی کرده است. ولی مجموعه عمل نهادهای انقلابی ایران را در این عتاب نباید می شود مورد قضاوت قرار داد و آن ها را راضی کرد و جنجالی به راه انداخت که رادیو بی بی سی، بی بی سی، "صدای آمریکا" و "رادیو بغداد" بیایند از آن سو استفاده کنند. وقتی یکی از لیبرال های ما مقاله ای می نویسد که رادیو بختیار و رادیو بغداد و بی بی سی عیناً به آن استناد می کنند، بعین عنوان که اختناق دوران "آریامهری" الان در ایران حکم فرما است، خوب ما این رادیو نمی توانیم به عنوان این که کسی طرفدار آزادی است تلقی کنیم. این رادیو یعنی کامل خود ضربه ای می دانیم به حیثیت جمهوری اسلامی ای که ما طرفدارش هستیم، با وجودی که در همین جمهوری اسلامی نسبت به آزادی فعالیت خود حزب ما در چارچوب قانون اساسی تجاوزی نمی شود. با وجود این که هیچ دلیل و واقعاً هیچ گونه دلیلی برای اشغال دفاتر ما وجود ندارد و تمام مراجع مهم قضایی و دولتی هم به ضرورت سپردن این دفاتر رای داده اند، و حداقل کسانی هستند و در همین نهاد های انقلابی مراجعی هستند که عملاً نمی گذارند این ها را به ما پس بدهند. با این که به عنوان مختلف پرونده های ناخوشایندانه ای علیه توده های ما می سازند که نمونه اش را ما درباره آن خانه فرهنگی جنوب دیدیم، چه چیز مسخره آمیز مفتضحی که واقعا ساواک می تواند یک چنین کاری بکند ساخته اند! ولی ما با مشاهده این عمل شبه ساواکی فوراً نمی گوئیم که همه این ها کار ساواکی ها را می کنند. ما آدم های خیلی با انصافی هستیم. ما می گوئیم تعیین کننده تمام عمل نهادهای انقلابی و محاکم انقلابی و کمیته ها این نیست. در عین حال که به حیثیت مادمه فوق العاده شدیدی می زند. دفاتر ما را در جاهایی می بندند. می ریزند و آتش می زنند. ما این را به هیچ وجه به حساب تمام حاکمیت جمهوری اسلامی نمی گذاریم. می دانیم که هم ضد انقلاب در این کارها دخالت داشته باشند. در شرایط انقلابی از این نوع پدیده ها پیدایی می شود. بایستی این ها را در چارچوب خودش مورد بررسی قرار داد و ارزیابی درست کرد. ما امیدواریم که نیروهای سالم اجتماعی همان طوری که من چند بار تکرار کردم بتوانند در این لحظه فوق العاده حساس خط خودشان را در مبارزه خود برای تامین و راستین آن آزادی هایی که مورد تجاوز قرار گرفته، از خط لیبرال هایی که در مقاله "اختناق که شاخ و دم ندارد" بازتاب پیدایی کند جدا کنند. این ها از بنیاد دو چیز به کلی مختلف هستند و به همین دلیل است که دشمنان انقلاب ایران مقاله "اختناق که شاخ و دم ندارد" این طور هورا می کشند و دست می زنند و می خواهند آن را به عنوان قیافه واقعی امروزی ایران جا بزنند. ولی از مبارزه ای که حزب توده ایران برای تامین آزادی های دموکراتیک می کند، هیچ کدام از آن ها پشتیبانی نمی کنند و حتی این طرفداران "آزادی مطلق" هم حتی یک کلمه درباره این که چرا دفاتر حزب توده ایران را گرفتند و غارت کردند و پس ندادند ننوشتند. بلکه در مقابل وقتی نامه "مردم" را به علت این که واقعیتی را در مورد صادق قطب زاده نوشته بود که صحبت آن در تاریخ قطعا ثابت خواهد شد، توفیق کردند، روزنامه "میزان" - این طرفدار "آزادی مطلق" نمی توانست از خوشحالی در پوست خود بگذرد و با بی شرمی تمام این خبر را منعکس کرد. این ها هستند طرفداران "آزادی" - آزادی از یک طرف برای بخش تبلیغات و مقالاتی که صدای بختیار و اوبسی و رادیو بغداد آن ها را منعکس خواهد کرد، ولی محدود کردن آزادی برای کسانی که از انقلاب دفاع می کنند. ما امیدواریم که نیروهای سالم این دورویی را درک کنند، عمیقاً درک کنند و حساب خود را از حساب این گرایش های منحرف به طور جدی جدا کنند. ویلان

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

مشکلات بیمارستان سینای کرمانشاه را بر طرف کنید

بیمارستان سینای کرمانشاه، با کمبود تخت، وسایل پزشکی و درمانی، روبروست. بیماران در بدو ورود خود به این بیمارستان ناچارند مدتی را در راهروهای بیمارستان و روی پتو و موکت های زمین بسر برند تا جا و تخت خالی نصیبشان شود. معتادین در این بیمارستان حق ملاقات ندارند و این امر خود موجب نارضایتی در بین بیماران و عیادت کنندگان شده است. بخش مهمی از این بیمارستان، به بیماران روانی اختصاص داده شده است، در حالی که بدون توجه به لزوم وجود فضای ساکت برای این نوع بیماران، این مکان همیشه ملو از جمعیت و سروصدا است. یکی از دلایل این سروصدا وجود ستاد

امپریالیسم آمریکا یک ماه است از جواب دادن ظفره می رود

یک مقام کاخ سفید گفت: «آمریکا درین آماده کردن پاسخ به سؤال ایران در مورد شرایط رهائی گروگانهاست» (کیهان - ۱۱ آذر).

این سخنان درست یکماه بعد از اعلام شرایط ایران برای آزادی گروگانها گفته میشود و بلافاصله خبر دیگری هم به آن اضافه میشود: «آمریکا در پیامی که در پیامبده ایران فرستاده گفته است که پاسخی به شرایط ایران فقط مربوط به دولت کارتر بوده و هنگامیکه ریگان در ماه ژانویه روی کار آید چه مسأله تغییر رژیم (همانجا)»

این سیاست یکی به منج و یکی به نعل امپریالیسم آمریکا البته تا زگی ندارد. در یک ماهی که از اعلام شرایط ایران میگذرد، بانکها مرتباً سرگرم پندبازی بودهاند. پیژاد میوی وزیر مشاور دولت ایران این شامورنی بازی را یکیها را چنین گفته است: «آمریکا در پیامبده آمریکا یک جواب سریع و بدرد بخور نیست، البته اول اعلام شده بود که چهار شرط ما را پذیرفتهاند، اما وقتی متن اصلی پاسخ آنها را دریافت کردیم متوجه شدیم، بجای شروط تصویب شده بوسیله مجلس، آنها میخواستند مسائل دیگری را در این شروط یکجانبه و بعضاً هم مشکلات قانونی و فنی که در آمریکا مطرح کردهاند... آمریکا صریحاً نگفته که شرط اول یا مثلاً سوم را پذیرفته یا شرط دوم را رد کرده...» (اطلاعات - ۱۰ آذر)

این تمویق و بعضاً انداختن مسأله گروگانها جاسوس و ظفره رفتن از دادن پاسخ به ایران را همان امپریالیستی انجام میدهند که بعد از اشتغال لاجسوس آمریکا توسط دانشجویان مسلمان بیرو خط امام و به گروگان گرفتن عاملان توطئه و جنایت علیه خلقهای ایران، دست به تبلیغات وسیع جهانی زدند و چنین وانمود کردند که حتی یک لفظ هم تاب این را ندارند که «دیپلماتها» باشند. تبلیغات امپریالیستی و دوستان لبرانشان در

ایران یک سال ادامه یافت و اگر کسی اندکی از سیاست امپریالیسم بر خیر بود گمان میکرد که امپریالیسم آمریکا برای ۵۲ گروگان جاسوس بر تاپ است. و بانکها از قرب غلبان احساسات انسان دوستانه حتی یک تانیه بر قابلیت هم راضی نیستند گروگانها را در دلسارته ببینند و همین دلیل است که ناچار از تهاجم نظامی به ایران شدهاند!

وقتی روز ۱۱ آبان ماه گذشته شرایط عادلانه ایران اعلام شد، اگر تبلیغات «دوستانه» امپریالیستی یکسروز صحت داشت و واقعا دل سرمایه داران چندملتی بهمان گروگانهای جاسوسی سوخته بود، میبایست بلافاصله شرایط ایران را میپذیرفتند و با اجرای آن به آزادی گروگانها کمک میکردند. اما برعکس انقلابیون آشکار بود که مسأله گروگانها برای امپریالیسم یانکی بهانه است و هدف واقعی امپریالیسم چیز دیگری است. همین خنجر هرچند که ادوخته ماسکوزی را در خارج آمریکا، روز ۱۳ آبان، به محض دریافت متن رسمی شرایط ایران از سفیر الجزایر گفت: «هنوز بسیاری از مسائلی در روشن شود. ماسکی اضافه کرد که شرایطی که ایران برای آزاد شدن گروگانها قایل شده باید با هدفی اصلی آمریکا سازگار باشد» (اطلاعات - ۱۳ آبان ۱۳۵۹).

و این هدف چیزی نیست غیر از باز پس گرفتن ایران!

برای رسیدن به این هدف است که امپریالیسم آمریکا بدون تردید به این بازیها ترغیب داده خواهد داد چرا که یانکی ها ایران را میخواهند و «گروگانها را» خلق قهرمان ایران که با اعلام چهار شرط توسط مجلس شورای اسلامی، ۴ صحت نبرد وسیع و مهم علیه امپریالیسم آمریکا گشوده است، باید با شرکت در این صحنه های نبرد همه دستان آمریکا را از نظر سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و حقوقی تقویت برآید و مقاومت امپریالیسم آمریکا را در هم بشکنند.

اگر شهید شدیم...

بقیه از صفحه ۱

رفیق توده ای در پاسخ گفت: «بخوان و بخوان حقیقت چون خورشید از زیر ابرهای تیره نمایان خواهد شد»

رفیق افروختن گفت: «در مدرسه به من «کار» می دهند راستی را بخواهی نظر حرفهایان درست است مدتی است با آنها همکاری می کنم»

رفیق توده ای گفت: «بیا «کار» و نامه مردم را با هم بخوانیم خودت و واقیبت را خواهی برد»

این قراره که پای آن درآیند ۵۸ ریخته شد، تا بهار ۵۹ ادامه پیدا کرد. در این مدت رفیق افروختن بعنوان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق فعالیت می کرد. او را در اواخر بهار ۵۹ رفیق افروختن به رفیق توده ای گفت: «ممنونم از آنکه من ۳۵۰ درجه دور خود چرخیدم، چون در این مدت به حمایت حزب توده ایران متعهد میشوم».

رفیق افروختن اشاره کرد: «در محفل های هوادار سازمان که برای خواندن کتاب جمع می شویم، نمی توانی به سئوالات من جواب بدهی فقط کتابهای حزب افروختن را دیدی رفیق افروختن می گفت:

«داین موقع رفیق افروختن شروع به خواندن آثار کلاسیک کرد، درحالیکه مسائل عمده انقلاب ایران همچون برایش سؤال بود. برای پیدا کردن جواب این سائل، مرتب توارهای فیرش میبایست رفیق «کیاوری» را گوش میداد. می گفت:

رزمندگان انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

کرخه، بر اثر حلات گروهی کشتی رزمنده ما، ۱۰ تا ۱۵ نفر از افراد دشمن به هلاکت رسیدند ۳ در نتیجه فعالیت های یگانهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در ادامه عملیات توطئه نیروی زمینی در منطقه خوزستان ۱۵ دستگاه تانک، یک مراده توپ، ۳ دستگاه خودروی نظامی، ۲ دستگاه بولدوز، یک دستگاه نفربر و ۲ دستگاه موتور سیکل را هلاک کردیم. ۲۰ نفر از رزمندگان انقلاب اسلامی به هلاکت رسیدند. در همین روز رزمندگان اسلام در جبهه جنوب توانستند یک ستون کاسپون دشمن را متفرق و تلفات سنگینی به آن وارد کنند و چندین سنگر دشمن و ۲ سنگر دیمپانی، یک دستگاه تریلر و ۲ دستگاه خودرو را با آتش توطئه خود نابود کنند. دلوران ما همچنین توطئه دشمن را خاموش کردند و بیش از ۵۰ نفر از قوای کفر را کشتند و ۸ نفر را نیز زخمی کردند. در این عملیات ۳ نفر از قوای خودی شهید و ۱ نفر زخمی شدند. ۴ درگیری در شوش، شیرین، گانسخت، کچانچیر، ملککاهی و صالح آباد به صورت تبادل آتش ادامه داشت و در سومار و انصار آباد، در آتش توطئه سیاه اسلام، ۲ دستگاه تانک و خودروی نظامی دشمن به کل منهدم شد. در این جبهه نیز حداقل ۵ نفر از مزدوران عراقی به هلاکت رسیدند. در نتیجه عملیات آتش مداوم رزمندگان انقلابی دشمن در تمام جبهه های نبرد شایعات و تلفات قابل ملاحظه ای به نیروهای تجارزوارده شده است. در ادامه اعلامیه به روحیه ضعیف پرسنل ارتش دشمن و پایان آمدن کارهای آنان اشاره شده و درباره سرکوب شدید سربازان ارتش عراق توسط فرماندهان مزدور

ساختن حصارم گوش بدهم...

چون چیز یک می گیرم...

کرکم سائل برایش روشن شد. او بطور مشخص درسی آموختن چند و چون راه رشد فیرسرمایه داری و حق تعیین سرنوشت خلقها بود. با رفیق توده ای در این موارد به مطالبه پرداخت. طولی نکشید که گفت: «حق با حزب است. سازمان اشتباه می کند».

پس از مدتی نظریات درست در سازمان چریکهای فدائی خلق هم رفته پیدا کرد. رفیق افروختن می گفت:

«از کار ۵۹ به بعد سازمان چریکها (اکثریت) ۳۳ و ۳۴ به راه درست نزدیک میشود. جنگ آمریکائی منهدم که آغاز شده رفیق افروختن آماده دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود. به رفیق توده ای گفت: «فرهنگ حزب را خواندم و باید علم جنگ شویم اگر شهید شدیم حزب توده ایران هست. حتماً نامم را در کنار شهیدان حزب توده ایران در صفحه اول نامه مردم بویسید»

روز ۲۰ آبان ۵۹، یک روز بعد از شهادت رفیق مسکرتانی شریعتی، رفیق توده ای در یکی از سنگرهای آبادان رفیق افروختن را دید. رفیق افروختن گفت:

«امروز رفیق یسری توده ای و نامم را برای رفتن به جبهه نوشتم. قرار است به خونی شهر بروم و با دشمنان انقلاب بجنگم و یوزه امپریالیسم آمریکا را بکشم. بیا با من برو، اگر شهید شدیم، یاد حزب توده ایران هست. مثل رفیق عسکر

نامم را در صفحه اول نامه مردم بویسید...

رفیق محمدرضا آذربای در

لطفه خدا حافظی به خواهرش وصیت کرد:

«من دیگر توده ای هستم، اگر کشته شد اسمم را در نامه مردم بویسید»

و باین ترتیب رفیق قهرمان محمدرضا آذربای به جبهه نبرد رفت و با خود را تار انقلاب کرد.

توضیح: دوستان فدائی در تیره ۸۲ شماره ۸۲، ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) اعلام کرده اند که رفیق آذربای فدائی خلق بود است. به نظر ما دوستان فدائی این اشتباه را باین سبب مرتکب شده اند که در جریان تحولات فکری رفیق شهید شده اند و به این واقیبت توجه نکرده اند که در میان هواداران سازمان فدائیان خلق (اکثریت) بسیاری رقتی که در سیر رشد اندیشه های خود، به حزب توده ایران پیوسته اند و نیز بسیاری رقتی که در مرز بین سازمان فدائیان ایران، حزب شهید، برای آبیات حمایت خود نیازی به شهید ندارند و شهیدانی چون رفیق آذربای قبل از همه به تارپیران سوسیالیسم علمی و به انقلاب و همه خلق ایران معلق دارند در صورت استمرار رقتی فدائیان (اکثریت)، حزب توده ایران در زمینه تعلق سازمانی رفیق شهید، قبل از شهادت، یافتن میبایست کرد زیرا خون شهیدان میباید در جهت است، نه پایداری چندگانه و نفاق.

آبشارهای خود یک آبشار جهات...

نیروهای دشمن را در جبهه گیلان تیربندم کردند. گزارش دفتر مرکزی خبر از دستگیری حاکمیت پنجشنبه بر اثر حمله نیروهای ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر رزمندگان نبرد به اوج خود رسید و تعدادی از خودروهای سنگین دشمن به آتش کشیده شد و ۲۰ تن از مزدوران منهدم گشته و مجروح شدند. در جبهه ریجاب تا نیمه شب پنجشنبه، سنگر دشمن به تصرف نیروهای انقلاب درآمد و تعدادی از مزدوران منهدم به هلاکت رسیدند. همچنین مقادیری از مهمات دشمن نیز به آتش کشیده شد. گزارش دیگری دفتر مرکزی خبر حاکمیت که در چند روز اخیر ۱۸ تن از رزمندگان انقلاب به شهادت رسیدند صدای جمهوری اسلامی ایران نیز گزارش داد: «در جبهه سومل یک گروه چریکی مرکب از پاسداران جان برکف انقلاب اسلامی، عناصر شور، بیخ مستقیم و پرسنل رژیم زور آور زاندازمی توانستند طی یک عملیات موفقیت آمیز یک منطقه سوق الجیشی دشمن را به این کناری کنند و ضمن وارد کردن تلفاتی چشمگیر به نیروهای دشمن سالم به پایگاه خود بازگردند. در این عملیات دزاتی بر خورد یک تانک و ۲ خودروی نیروهای مزدور عراق یا بین، تانک و خودروهای یاد شده منهدم شدند و سرشتیلان آن به هلاکت رسیدند. در سربازها قهرشیرین- نفتشیر نیز ۱ نفر دشمن با بین بر خورد کردند و منهدم شدند. سرشتیلان مزدور این دو نفر نیز هلاک شدند».

ایندیرا گاندی: دوستی با شوروی برای هند یک مسئله اصولی است

گسترش و تحکیم بنحند خاتم ایندیرا گاندی نخست وزیر هند ضمن استقبال از سفر لئوئیو برژنف به هند که در آینده نزدیک انجام خواهد شد گفت: دوستی با شوروی یک مسئله اصولی برای هند است و دو کشور مهمانند این دوستی را

چاسوس پاکستانی در هند دستگیر شد

ماموران امنیتی هند یک چاسوس پاکستانی بنام میهان کور را در کشمیر هند دستگیر کردند. چاسوس دستگیر شده یکی از صدها جاسوس است که دولت دستخشانده ضیاعالحق برای خوابکاری به هند میفرستد.

حیات اسلام خانه های:

حیات اسلام خانه های اتروند: «قدر این مردم و قدر این نیروها را دولت و دستگاههای اجرائی حیات اسلام در پیشبرد دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به این مطلب که بسیاری از جوانها پیش از نیاز موجود برای رفتن به جبهه و شرکت در جنگ هراجه می کنند، با اشاره به اشتیاق

ضرورت تحول...

بقیه از صفحه ۱

مسئله پاسکزی مجری در مسئله روز ملت، حتی از کسو در بعضی مناطق پاسکزی بهینه است و ایضا کاسر صالح از سوی دیگر مواردی هم اتفاق افتاده که کسانی باید برکت میشدند که هنوز در قلمرو پاسکزی قرار نگرفته اند. در سطح آموزش و پرورش برای اینکه برشتی وسیع تر بود، طبعاً این موارد هم زیاد بوده است»

آنگون این امید پدید آمد که با انتخاب آقای دکتر باقر به وزارت آموزش و پرورش، افراد مومن و معتقد به انقلاب، که سرقا به ملت عقاید سیاسی و ایدئولوژیکیان پاسکزی شده اند، به متناظر شوند. بازگردد، زیرا آقای دکتر باقر، نخستین برای تعلیم خوب مشروط قائل شده است:

۱- پرورش داری از تخصص، ۲- آشنایی به شیوه علمی و کلاس داری و سومین شرط آنکه معلم تکی همراه کند و معیاری کند در کلاس داشته باشد. بر اساس این سه شرط، همه کسانی که قصد و مومن به انقلابند، صرف نظر از آنکه دارای کدام عقیده سیاسی و ایدئولوژی باشند، با زمانیکه توطئه علیه انقلاب نکرده و سیر در گمراهی و انحراف فدائیان ایران در برخورد با مسائل انقلاب نداشته باشند، باید در مشاغل خود بمانند بسیاری از مناطق آموزش و پرورش، چه در مرکز و چه در شهرستانها، برای استخدام و یا پاسکزی مسلمان و دیربان، بر شش ماهه ای ارائه داده و یا شش ماهه ای طرح کرده اند.

کسب میباید بر آن نه مقیاس عقاید گذاشت، ولو آنکه آرا و دیدن خط مکی افرا، نام گذاری کنیم. سئوالهای نظیر: - چگونه کتابهای میخوانیم؟ - نظر شما درباره تفسیرهای غیر مذهبی چیست؟ - چرا در پاکستان تصانیف سوسیالیستی چیست؟

دهها سؤال دیگر از این قبیل، ناشی فقط تفتیش عقاید است و به خوشحالی و یا مشغله تصد بودن و مومن بودن معلم به انقلاب ندارد. معلم میتواند کتابهای مارکسیستی را میخواند و نسبت به کشورهای سوسیالیستی نظر مثبت داشته و در عین حال مباحث سیاسی و فکری انقلاب باشد چنانکه همه اعضاء حزب توده ایران، چنین اند. اما معلم میتواند کتابهای مارکسیستی را به آتش کشد و دشمن خوشی کشورهای سوسیالیستی باشد اما با انقلاب سر آشتی نداشته باشد و در صف ضد انقلاب در کین انقلاب باشد. چنانکه همه وابستگان به رژیم شاه ملعون و ساداکها چنین اند. آیا بود انقلاب است که از میان این دو گروه، دومی را بر اولیها مرجع شماریم؟

سپید بازتته نادر با تانقلع رئیس...

سپید بازتته نادر با تانقلع رئیس ستاد ارتش در زمان کودتای ۲۸ مرداد این روزها در دادگاه انقلاب حاضر شده تا به قضات پاسخ دهد چگونه ۲۵ سال از سردمداران جنایت و خارت رژیم پهلوی در ایران بوده است.

جنایات آقای با تانقلع ظالم اصلاح مسلمانانه (از متن کثیر خواست) مانند همه سردمداران رژیم شاه و وزیرهای طولانی است. این سر جلد شاه بر اساس کثیر خواست داستان انقلاب که در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۸ آذر آمده است از جمله در کودتای ۲۸ مرداد شرکت مستقیم و فعال داشته و از طراحان و برنامه ریزان اصلی کودتای بوده است. برنامه کودتای در منزل و در باغ یکی از اقوامش در کیلومتر ۱۶ جاده کرج طرح شده است. او در کودتای سرکوب انقلابیون دخالت نموده و فصل در کودتای سرکوب انقلابیون نقش داشته است. بعد از کودتای پاس این جنایات با تانقلع به سمت نماینده نظامی دائمی ایران در میان ستوه و تنبیه نظامی ایران در میان مرکزی به خدمات خود به امپریالیسم آمریکا ادامه میداد و در همان حال به نفع اراضی مزدومی کشاورزان و ستم و ظلم نسبت به اهالی قریه حصارامیر و استرغین قزوین ادامه میداد.

چنین جنایتکار پلیدی که تنها شرح نویسی خیانتها و جنایاتش نصف صفحه از روزنامه اطلاعات را بخود اختصاص داده و از بنده ناخشنود خون انقلابیون چاربیسته هنگامیکه در دادگاه نوبت بهار میرسد تا دفاع کند یا پنهان شدن در زیر چتر اسلام، بر شرافت به کتار توده ای اعتراف کرده و آنها را از اختراعات خود شمرده است. سپید با تانقلع که نام این جنایات را رهائی کشور از شر اجنبی میخوانند در دادگاه انقلاب گفته است: دنیا به خواست پدرم وارد ارتش شد تا از این طریق بتوانم به وطن خدمت کنم و کشور را از شر اجنبی زمامتزم و در این راه تلاش فراوان کردم» (اطلاعات - ۱۰ آذر).

آنان برای دفاع از انقلاب گفت:

میدانید که برادران سپاه پاسدار و جویان سپاه پاسدار امروز یک محور ارزنده ای در نیروهای است که در میدان جنگ دارد می جنگند... مراجعه کنید در سپاه پاسداران»

حجت الاسلام خامنه ای سپس خطاب به مسئولان امر در سپاه پاسداران گفت که: «اعوش باز کنند و اینهمه داوطلب و علاقمند برای اینکه بیایند جزو این سپاه انقلاب بشوند، اینها را قبول نکنند»

